روزنامه اطلاعات روز

۸۱۳ | چهار شنبه | ۱۹ حمل، ۱۳۹٤ | سال چهارم | قیمت: ۱۰ افغانی | Price: 10 Af | Year 04 | 8 April, 2015 | Wednesday | 813

فهرست ۱۵۸۳۱ غاصب زمین به ارگ فرستاده شد

صفحه ۲

امریکا به جای کندساختن روند خروج نظامیانش از افغانستان، باید آن را تسریع کند

اکنون تعدادی از پالیسی‌سازان امیدوارند از خود یک پایگاه لیبرال و دموکراتیک در آسیای مرکزی برجای بگذارند. افغانستان امروز، در مقایسه با دوران طالبان، یک کشور بسیار پیش‌رفته، با مردمان روشن و دارای ارتباطات است. اما دست‌آوردها شکننده و ناکامی‌ها چشم‌گیرند. حکومت مرکزی نتوانسته به مردم خدمت کند، از آن‌ها محافظت کند یا وفاداری آن‌ها را حفظ کند. تقلب و ضایعات در برنامه‌های کمک‌رسانی بین‌المللی حماسه‌اند. وقتی کابل بازداشت‌شدگان را شکنجه می‌کند و نمی‌تواند عدالت را تأمین کند، مانند یک سربازگیرنده برای طالبان عمل می‌کند. تا زمانی که حکومت افغانستان فاسد و بی‌کفایت بماند، مردم افغانستان متفرق و قبیله‌ای می‌مانند، طالبان مصمم و خشن می‌مانند، پاکستان دشمن می‌ماند و نفع می‌برد و دیدن یک افغانستان باثبات، امن و غربی یک خیال واهی می‌ماند...

صفحه ٤

شتاب‌زدگی دولت در معرفی سیاست مالیاتی

صفحه۳

چگونگی کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی

صفحه ۵

نگاهی نو به سه‌چرخه‌های الکتریکی

صفحه ٦

فهرست ۱۵۸۳۱ غاصب زمین به ارگ فرستاده شد

اطلاعات روز: اداره‌ی مستقل اراضی افغانستان از شناسایی ۱۵۸۳۱ غاصب زمین که بر زمین‌های مردم در ۳۴ ولایت ۳۵۵ شهرک‌های رهایشی ساخته‌اند، خبر داد. جواد پیکار، رییس این اداره دیروز گفت، این افراد در کل یک میلیون و ۳۰۰ هزار جریب زمین مردم را غصب کرده و ما فهرست آنان را به رییس جمهور و شورای ملی ارسال کردیم.
او افزود، این غاصبان زمین سندی را در دست نداشته و ۳۵۵ شهرک را در سراسر کشور، خلاف قانون ساخته‌اند. آقای پیکار از این افراد نام نبرد و گفت، اکثر آنان زورمندان، سران قومی، افسران اردوی ملی، پولیس و شخصیت‌های بانفوذ کشور هستند.
به نقل از صدای امریکا، رییس اداره‌ی اراضی افغانستان گفت که اکثر شهرک‌های غصبی در کابل، بلخ و ننگرهار اعمار شده‌اند. به گفته‌ی او، زمین‌ها زیادتر برای اعمار شهرک‌ها، ساحات مسکونی، تجاری و زراعتی غصب شده‌اند. پیکار افزود، از پول‌های سیاه نیز در ساخت این شهرک‌ها استفاده شده است.
غصب زمین از سوی زورمندان، چالشی عمده در کشور است و دولت هنوز نتوانسته جلو آن را بگیرد. در همین حال، مارک بودین، معاون یوناما در بخش احیا و بازسازی گفت، برای جلوگیری از این کار، باید غصب زمین در قانون جرم پنداشته شود و برای غاصبان جزای سنگینی در نظر گرفته شود.
او آینده‌ی خانواده‌ها و اقوام در نقاط مختلف کشور را وابسته به زمین خواند و افزود، با این وجود، غصب زمین در افغانستان، کاری عادی است. مارک بودین در این زمینه گفت، اعضای مجلس نمایندگان، مسئولان حکومتی و بزرگان قومی در غصب زمین در ولایت‌های ننگرهار، غزنی و قندهار دست دارند.
او گفت که در گذشته ۶۰ درصد زمین‌های شهر جدید کابل مربوط دولت بود؛ اما این رقم به ۲۵ درصد کاهش یافته است. در همین حال، اداره‌ی مستقل اراضی افغانستان می‌گوید، برای جلوگیری از غصب زمین باید تمام زمین‌های غصب‌شده برگردانده شوند و برای مجازات عاملان آن، قانون وضع شود.

وزیر خارجه:
۱۵۰ کارمند وزارت خارجه برکنار می‌شوند

اطلاعات روز: صلاح‌الدین ربانی، وزیر خارجه‌ی کشور می‌گوید که از میان ۱۹۰ کارمند قراردادی (باالمقطع) این وزارت، ۱۵۰ تن آنان از وظیفه برکنار می‌شوند. او دیروز در کمیسیون امور بین‌المللی مجلس نمایندگان گفت، در حال حاضر ۱۹۰ کارمند قراردادی در وزارت خارجه کار می‌کنند؛ اما حداکثر ظرفیت این وزارت برای کارمندان قراردادی، ۴۰ نفر است.
ربانی افزود، قرار است در آینده‌ی نزدیک یک امتحان رقابتی در وزارت خارجه برگزار شود و در آن افراد واجد شرایط و مورد ضرورت جذب و متباقی، به‌ویژه کارمندان فارغ صنف دوازدهم، از وظیفه برکنار می‌شوند. مبارزه با فساد اداری، اصلاحات اداری و تشکیلات وزارت خارجه از اهداف اساسی این تصمیم خوانده شده است.
این تصمیم پس از آن صورت می‌گیرد که بر اساس گزارش‌ها، شمار زیادی از کارمندان وزارت خارجه بدون رقابت و در نظر گرفتن معیارها، بر اساس روابط خانوادگی و واسطه‌بازی مقرر شده‌اند. گفته می‌شود که برخی از کارمندان وزارت خارجه غیرمسلکی و حتا تعدادی از آنان، فارغ صنف دوازدهم هستند.
با این‌حال، وزیر خارجه می‌گوید که برای مبارزه با فساداداری و جلوگیری از مشکلات یادشده، اراده‌ی جدی دارد. او در ادامه افزود، قرار است پاسپورت‌های سیاسی شماری از کارمندانی که واجد شرایط نیستند نیز جمع‌آوری شوند. گفته می‌شود در حال حاضر حدود ۴۵۰۰ کارمند وزارت خارجه پاسپورت سیاسی دارند و اکثر آنان واجد شرایط نیستند.
ربانی از کنترول شدید پاسپورت سیاسی و جلوگیری از توزیع این پاسپورت برای افرادی که واجد شرایط نیستند، خبر داده است. به نقل از خبرگزاری مرکزی، وزیر امور خارجه به روز سه‌شنبه هفته‌ی روان در کمیسیون امور بین‌المللی مجلس نمایندگان بر این موضوع تأکید کرده است.
او در ادامه افزود، حکومت در زمینه‌ی افزایش حضور زنان در نهادهای مختلف دولتی متعهد است و در دور جدید، ۵ خانم به عنوان سفیر افغانستان در کشورهای خارجی مقرر می‌شوند. در حکومت قبلی تنها منیژه باختری به عنوان سفیر افغانستان در ناروی کار کرده است. افزایش حضور زنان در کابینه و در سطح رهبری، از خواست‌های نهادهای مدافع حقوق زن است.
رییس جمهور و رییس اجرایی در این زمینه اطمینان داده‌اند. در حال حاضر از میان ۱۶ نامزدوزیر پیش‌نهادی حکومت، چهار تن آنان زن هستند. حضور نمایندگان زن در روند صلح برای حفظ دست‌آوردهای ۱۳ ساله، خواست دیگر نهادهای مدافع حقوق زن و نهادهای جامعه‌ی مدنی در کشور است.

وزارت داخله:
طالبان در کنر بر افراد ملکی تیراندازی کردند

اطلاعات روز: وزارت داخله اعلام کرد که شورشیان طالب در ولایت کنر بر غیرنظامیان تیراندازی کرده‌اند. در خبرنامه‌ی ارسالی این وزارت به روزنامه‌ی اطلاعات روز آمده است، بر اثر تیراندازی طالبان بر غیرنظامیان در دو رویداد جداگانه در کنر، سه غیرنظامی کشته و سه تن دیگر زخمی شده‌اند.
در رویداد نخست، شورشیان طالب شب دوشنبه هفته‌ی روان بر یک موتر حامل غیرنظامیان هنگام رفتار در منطقه‌ی داگ ولسوالی نرنگ کنر حمله کرده‌اند. سرنشینان این موتر هنگامی هدف تیراندزی طالبان قرار گرفته‌اند که از شهر اسعدآباد به سوی ولسوالی نرنگ در حرکت بوده‌اند.
در این حمله‌ی طالبان دو فرد ملکی کشته و سه تن دیگر زخمی شده‌اند. در ادامه‌ی خبرنامه‌ی وزارت داخله آمده است، در یک رویداد دیگر، هراس‌افگنان طالب شب دوشنبه یک فرد ملکی را به نام شهاب به اتهام ارتباط با دولت به قتل رسانده‌اند. بر اساس این خبرنامه، فرد یادشده کارمند دولتی نبوده و ارتباطی هم با دولت نداشته است.
در جریان‌های سال‌های گذشته شورشیان طالبان در بعضی از موارد افراد ملکی را به اتهام همکاری یا ارتباط با دولت در شماری از ولایت‌های کشور به قتل رسانده‌اند. به تاریخ پنجم ماه سنبله سال گذشته، مقام‌های محلی فراه از سربریدن یک ملای مسجد توسط طالبان به اتهام همکاری با دولت خبر دادند.
پیش از این رویداد، طالبان ترویست پنج نفر را به اتهام همکاری با دولت در ولایت هلمند به دار آویختند. در همین حال، وزارت داخله کشتن افراد ملکی توسط طالبان را با شدیدترین لحن محکوم و اعلام کرد، این کار شورشیان «ضدبشریت و دشمنی آشکار با مردم افغانستان» است.

امنیت ملی: ویدیوی نشرشده ربطی به ۳۱ گروگان زابل ندارد

اطلاعات روز: ریاست امنیت ملی اعلام کرد که ویدیوی نشرشده‌ی «گروه تحریک اسلامی ازبکستان» به ۳۱ گروگان هیچ ارتباطی ندارد. چند روز پیش گروه یادشده با نشر ویدیویی که در آن سر یک افسر پیشین ارتش از سوی دو جنگ‌جوی نقاب‌پوش وحشیانه بریده شده، ادعا کرد که این فرد از جمع ۳۱ گروگان است و متباقی مسافران نیز در چنگ این گروه اند. این مسافران حدود یک‌ونیم ماه پیش از شاهراه کابل–قندهار ربوده شدند و به جز از تحریک اسلامی ازبکستان، هنوز گروه دیگری مسئولیت آن را برعهده نگرفته است. طالبان پیش‌تر با نشر خبرنامه‌ای اعلام کردند که در قضیه‌ی گروگان‌گیری کابل–قندهار دست ندارند. اما محمد محقق، معاون ریاست اجرایی می‌گوید، مسافران هزاره از سوی داعش ربوده شده‌اند.
نشر ویدیوی تحریک اسلامی ازبکستان در چند روز گذشته نگرانی‌هایی را به دنبال داشت؛ اما ریاست امنیت ملی با نشر خبرنامه‌ای اعلام کرد، این ویدیو هیچ رابطه‌ای با قضیه‌ی گروگان‌گیری ۳۱ تن از هم‌وطنان در ولایت زابل ندارد. بر اساس این خبرنامه، امنیت ملی برای بازداشت عاملان بریدن سر یک افسر در این ویدیو، تحقیقاتش را آغاز کرده است.
در خبرنامه آمده است، در مورد این جنایت غیراسلامی و غیرانسانی تحقیقات آغاز شده، تا مجرمان شناسایی و به پنجه‌ی قانون سپرده شوند. اخیراً گروگان‌گیری در شماری از شاهراه‌های کشور افزایش یافته است. در دو ماه اخیر حداقل از شش مورد گروگان‌گیری از شماری از شاهراه‌ها گزارش شده است.

عفو بین‌الملل: زنان افغان در بیرون خانه مصئون نیستند

سازمان عفو بین‌المللی در گزارش تازه‌اش نوشته است، زنانی که در افغانستان در بیرون از خانه کار می‌کنند، مصئونیت ندارند. این سازمان در مصاحبه با تعدادی از زنان فعال اجتماعی به این نتیجه رسیده که شورشیان تنها عامل تهدید و خشونت علیه زنان نیستند. به گزارش عفو بین‌الملل، در ساختار جامعه و حکومت، زنان تهدید می‌شوند و آزار جنسی و بدنی می‌بینند.
پژوهش‌گران این سازمان می‌گویند، «بی‌تفاوتی حکومت» باعث بروز تهدیدهایی علیه زنان در محیط اجتماعی شده است. به باور آن‌ها، تهدید شورشیان و تندروان از یک‌سو و معافیت عاملان خشونت علیه زنان از پی‌گرد قانونی از سوی دیگر، عرصه را برای خیلی از زنان تنگ کرده است.
به گفته‌ی مسئولان سازمان عفو بین‌الملل، عدم پی‌گیری عاملان خشونت علیه زنان در افغانستان، این سازمان را نگران کرده است. حوریه مصدق، پژوهش‌گر سازمان عفو بین‌الملل گفت: «روشی قبول‌شده در این‌جا این است که هر خانمی که بیرون از خانه می‌رود، باید مورد حمله قرار گیرد. به همین دلیل، قضایای خشونت علیه زنان پی‌گیری نمی‌شوند».
بخشی از این گزارش به آزار جنسی زنان در ساختار حکومت پرداخته است، به خصوص زنانی که در نهادهای حکومتی و امنیتی کار می‌کنند. در خیلی موارد بدرفتاری و سوءاستفاده‌ی جنسی در محل کار در نهادهای حکومتی و امنیتی باعث شده زنان یا به خواسته‌های مأموران ارشد تن در دهند، یا هم خانه‌نشین شوند.
ماریا بشیر که تا همین چند ماه پیش یکی از عالی‌مقام‌ترین مسئولان قضایی در هرات بود، حالا پشتوانه‌ای ندارد و حکومت هم صدایش را نشنیده است. خانم بشیر، رییس دادستانی پیشین هرات گفت: «همیشه به خاطر کاری که کردم، خودم و خانواده و کودکانم مورد تهدید بودیم و تا هنوز هم هستم».
ماری اکبری، فعال حقوق زن خود از نخستین بنیان‌گذاران خانه‌های امن برای زنان بی‌پناه و در معرض خشونت است. او بیش از ده سال برای زنان دادخواهی کرده، ولی این تلاش‌ها خودش را هم آرام نگذاشته است. خانم اکبری که سال‌ها از خشونت و تهدید نترسیده، حالا با انتشار گزارش سازمان عفو بین‌الملل، احساس نگرانی می‌کند. این فعال حقوق زن گفت: «در هر گام ما خطر بوده است، همیشه، ولی من نمی‌ترسم و به راهم ادامه می‌دهم. همان‌طوری که تا حالا ادامه داده‌ام». سازمان عفو بین‌الملل از میان صدها مصاحبه‌شونده در این گزارش، ۵۰ قضیه از خشونت و تهدید علیه زنان را برجسته کرده است. در این گزارش آمده است، زنانی که تهدید شده‌اند و آزار دیده‌اند، در اکثر موارد صدای‌شان را دولت افغانستان ناشنیده گرفته و در مواردی هم درخواست کمک به بدنامی آنان از طرف جامعه‌ی مردسالار ختم شده است. رییس جمهور اما وعده کرده که با عاملان تهدید و خشونت علیه زنان برخورد قاطع می‌کند. حالا بسیاری به این وعده‌ی رییس جمهور دل خوش کرده‌اند. (بی‌بی‌سی)

یادداشت روز

داعش در یک قدمی کابل؟

هادی صادقی

اخیرا، با گذشت هر روز، شبح مخوف داعش در افغانستان نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. پس از بروز نشانه‌های پیدا و پنهان، اکنون کم کم فعالیت‌های این گروه عملی و آشکار شده و صدای پای آن نزدیک و نزدیک‌تر شده می‌رود.
اخیرا نمایندگان مردم فراه در مجلس نمایندگان با ابراز نگرانی از حضور داعش در فراه گفتند که این گروه برای تصرف فراه کمر بسته و در حال ساخت سنگر و جلب و جذب منظم نیرو است. هم‌چنان روز گذشته رسانه‌های آمریکایی ویدیویی را نشان دادند که ظاهرا افراد وابسته به گروه داعش در نزدیکی‌های پایتخت در حال تمرینات نظامی هستند.
نشانه‌های داعش در افغانستان ماه‌ها پیش آشکار شده بود و اکنون این گروه به عنوان چالشی سازمان‌یافته و جدی در برابر دولت افغانستان عرض اندام می‌کند. افراد این گروه از چندماه پیش در قالب مهاجران و بی‌جاشدگان پاکستانی یا دیگر گروه‌های مسلح غیرمسئول در افغانستان شروع به فعالیت کرده بودند. در این مدت عوامل داعش در میان اقشار سنتی و مذهبی و خصوصا در میان گروه طالبان تبلیغ کرده و افراد زیادی را به صفوف خود جلب کرده‌اند. با این‌که این فعالیت‌ها در ابتدا پنهان و در پوشش گروه‌های مسلح غیرمسئول یا بی‌جاشدگان پاکستانی صورت گرفتند؛ اما در مواردی نیز با بروز نشانه‌های فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ی داعش از سوی رسانه‌ها بازتاب داده شدند. اما حکومت افغانستان به این واقعیت‌ها اعتنایی نکرد. نهادهای امنیتی و استخباراتی به خبرها در مورد روند تجهیز و آموزش جنگ‌جویان داعش در افغانستان اعتنایی نکردند و فعالیت‌های دهشت‌افگنانه‌ی این گروه را پیوسته به طالبان و دیگر گروه‌های مخالف مسلح دولت نسبت دادند.
اکنون جنگ‌جویان ناشناخته و مهاجران مسلح غیرقانونی در افغانستان کم کم با هویت واقعی‌شان (داعش) ظاهر می‌شوند. ریاست جمهوری و نهادهای امنیتی عملا با دشمنی به نام داعش درگیرند و دیگر نمی‌توانند این واقعیت را انکار کنند.
افغانستان می‌تواند برای این گروه بستر خوبی برای سربازگیری و تبلیغات مذهبی باشد. ساختار شدیداً سنتی جامعه، بی‌سوادی و گرایش‌های تندروانه‌ی مذهبی در افغانستان، زمینه‌ی خوبی برای نفوذ تفکر افراطی و تکفیری است و گروه‌های تروریستی همواره و در همه‌جا همین نقطه را نشانه گرفته‌اند. تمامی گروه‌های تروریستی‌ای که تا کنون در افغانستان و منطقه تجربه شده، از همین‌جا شروع کرده و با سوءاستفاده از آموزه‌های دینی و مذهبی، برنامه‌های سیاسی و استخباراتی خود را به پیش برده‌اند. اکنون نیز این خطر به صورت جدی وجود دارد که عوامل گروه تروریستی داعش در میان مردم نفوذ کرده و از باورهای سنتی و مذهبی آن‌ها سوءاستفاده کنند و آن‌ها را در مسیر اهداف و برنامه‌های سیاسی و تروریستی‌شان سوق دهند.
حضور هرچند ضعیف و اندک داعش، خطری جدی برای امنیت ملی کشور است. حکومت باید با این مسئله به صورت جدی و عاقلانه برخورد کند. نباید حضور افراد وابسته به گروه دولت اسلامی در افغانستان صرفا به چند فراری پابرهنه، شب‌نامه‌ها و یکی دو فرد انگشت‌نما تقلیل داده شود و نباید انگیزه‌ها و عاملان پشت صحنه‌ی آن را نادیده گرفت و از کنار این خطر بی‌اعتنا گذشت. دولت باید عوامل و نهان‌گاه‌های آن‌ها را کشف کند و با آن به عنوان یک تهدید جدی برای امنیت ملی کشور، برخورد نماید.
داعش یک گروه تروریستی خطرناک و ویران‌گر است. دهشت، بی‌رحمی و جنایت‌های این گروه تمام جهان را به وحشت انداخته و برای نابودی آن تمام کشورهای جهان کمر بسته‌اند. قصاوت و جنایت‌های این گروه در عراق و سوریه به جهانیان ثابت ساخته که برای سرکوب و نابودی آن‌ها هیچ مصلحت و ملاحظه‌ای وجود ندارد و افغانستان نیز نباید با هواخواهان و اعضای این گروه با نرمی و سستی برخورد کند.

شتاب‌زدگی دولت در معرفی سیاست مالیاتی

رضا فرزام، استاد اقتصاد در دانشگاه کابل

سیاست‌گذاران اقتصادی به دلیل فهم نادرست‌شان از اقتصاد و روش‌های علمی و تخنیکی سیاست‌گذاری، همواره به جای اصلاحات بنیادین، پالیسی‌هایی را معرفی می‌کنند که نتایج برعکس را در پی دارند. به عنوان نمونه، در آخرین مورد، طرح افزایش مالیات بر عایدات و سرمایه‌گذاری‌های کوچک و متوسط مطرح شد. این سیاست با واکنش تند کسبه‌کاران در شهر کابل مواجه شد و موج عظیمی از اعتراض‌ها را برانگیخت. هدف اصلی دولت از این طرح، افزایش درآمدهای داخلی می‌باشد. اما به صورت علمی و بر مبنای تجربه‌های تاریخی، ناکامی این سیاست دولت را می‌توان در چند مرحله اثبات کرد. به بیانی دیگر، سیاست افزایش مالیات دولت بدون تمرکز بالای اصلاحات بنیادین در بروکراسی و ایجاد فضای سالم برای سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، در نهایت منجر به کاهش درآمدهای داخلی دولت خواهد شد.

افغانستان یکی از وابسته‌ترین کشورهای جهان به کمک‌های مالی بین‌المللی می‌باشد. میزان وابستگی مالی افغانستان در حدی است که کاهش کمک‌های جهانی می‌تواند روند حکومت‌داری، ثبات و توسعه را با چالش مواجه سازد. در تحلیل‌های نهادهای بین‌المللی اقتصادی، افغانستان و نوار غزه از جمله‌ی وابسته‌ترین اقتصادهای جهان به کمک‌های مالی می‌باشند.

تجربه‌ی سیزده سال گذشته نشان می‌دهد که کمک‌های جامعه‌ی جهانی و مصرف نیروهای نظامی خارجی، مهم‌ترین پارامترهای رشد اقتصادی بوده‌اند. بر اساس ارزیابی‌های انجام‌شده، بیش‌تر از ۹۵ درصد تولیدات ناخالص داخلی یا رشد اقتصادی کشور، به صورت مستقیم و غیرمستقیم وابسته به میزان کمک‌ها و مصرف نظامی خارجی‌ها بوده است. به عبارت دیگر، نرخ رشد اقتصادی بالا در طی سیزده سال گذشته نه به دلیل کارکرد واقعی اقتصاد داخلی افغانستان، بلکه به صورت گسترده وابسته به میزان کمک‌ها و مصرف خارجی‌ها بوده است.

عامل‌های متعددی باعث شدند که اقتصاد افغانستان در طی ۱۳ سال گذشته به یک اقتصاد پویا، تولیدی و نسبتا پایدار تبدیل نشود. مدیریت ناکام روند توسعه، فقدان نگاه درازمدت به مسئله‌ی توسعه، مدیریت ناسالم کمک‌های جهانی و حیف‌ومیل‌شدن بخش بزرگ آن، فساد اداری گسترده، فقدان سیاست‌های حمایتی از تولیدات و صنایع نوپای داخلی و شکست دولت در راستای اصلاحات ساختاری در بروکراسی قدرت، باعث شدند که اقتصاد افغانستان پس از ۱۳ سال، به طرز نگران‌کننده‌ای هم‌چنان یکی از وابسته‌ترین اقتصادهای جهان به کمک‌های مالی جهانی باقی بماند.

کاهش تدریجی میزان وابستگی مالی یکی از مهم‌ترین اولویت‌های دولت جدید بوده که موفقیت این روند به صورت گسترده وابسته به افزایش میزان درآمدهای داخلی دولت می‌باشد. افزایش درآمدهای داخلی دولت مستلزم سیاست‌گذاری دقیق حداقل در دو عرصه مهم است: اول، تلاش در راستای تقویت ظرفیت اقتصاد داخلی افغانستان و فراهم‌ساختن جوّ سالم برای سرمایه‌گذاری‌های خصوصی. دوم، اصلاحات بنیادین در نهادها، قوانین و سیاست‌های مالیاتی. اما تا هنوز در این دو عرصه کارنامه‌های چندان درخشانی نداشته‌ایم. دلیل آن روشن است؛ سیاست‌گذاران اقتصادی ما یا فاقد فهم دقیق، علمی و استراتژیک از پیچیدگی‌های اقتصاد کشور می‌باشند، یا از نابه‌سامانی‌های موجود، منافع کلان اقتصادی برای‌شان دست‌وپا کرده‌اند.

به همین دلیل است که با وجود سرمایه‌گذاری‌های کلان خصوصی در کشور، تا هنوز هیچ تلاش سیستماتیک، درازمدت و حساب‌شده برای برداشتن موانع از مقابل سرمایه‌گذاری‌های خصوصی صورت نگرفته است. با گذشت هر سال، افغانستان به لحاظ شاخص «کسب‌وکار» در وضعیت بدتری قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، اصلاح سیستم مالی کشور بسیار به کندی پیش می‌رود و هرازگاهی به دلیل فهم نادرست از اقتصاد، سیاست‌گذاران اقتصادی، سیاست‌های ناکارآمد و نامناسبی را طراحی و تطبیق می‌کنند. به دلیل این سیاست‌های ناکارآمد اقتصادی است که امروز در بدترین وضعیت ممکن اقتصادی قرار داریم.

سیاست‌گذاران اقتصادی به دلیل فهم نادرست‌شان از اقتصاد و روش‌های علمی و تخنیکی سیاست‌گذاری، همواره به جای اصلاحات بنیادین، پالیسی‌هایی را معرفی می‌کنند که نتایج برعکس را در پی دارند. به عنوان نمونه، در آخرین مورد، طرح افزایش مالیات بر عایدات و سرمایه‌گذاری‌های کوچک و متوسط مطرح شد. این سیاست با واکنش تند کسبه‌کاران در شهر کابل مواجه شد و موج عظیمی از اعتراض‌ها را برانگیخت. هدف اصلی دولت از این طرح، افزایش درآمدهای داخلی می‌باشد. اما به صورت علمی و بر مبنای تجربه‌های تاریخی، ناکامی این سیاست دولت را می‌توان در چند مرحله اثبات کرد. به بیانی دیگر، سیاست افزایش مالیات دولت بدون تمرکز بالای اصلاحات بنیادین در بروکراسی و ایجاد فضای سالم برای سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، در نهایت منجر به کاهش درآمدهای داخلی دولت خواهد شد.

● **مالیات و اقتصاد غیررسمی**

بخش بزرگی از اقتصاد افغانستان را فعالیت‌های غیررسمی اقتصادی تشکیل می‌دهند. بانک جهانی حجم اقتصاد غیررسمی کشور را بین ۸۰ تا ۹۰ درصد از کل فعالیت‌های اقتصادی پیش‌بینی می‌کند. این رقم به‌شدت بالا بوده و نشان می‌دهد که دولت افغانستان بر ۸۰ درصد از اقتصاد کشور کنترول ندارد. به عبارت دیگر، دولت تنها بر ۲۰ درصد از فعالیت‌های اقتصادی کنترول دارد و تنها می‌تواند از این ۲۰ درصد اقتصاد رسمی مالیه بگیرد. به همین دلیل است که اقتصاد غیررسمی، یکی از اصلی‌ترین پارامترهایی است که میزان درآمد داخلی دولت را کاهش داده است. برای افزایش درآمدهای داخلی دولت و کاهش وابستگی مالی، طرح استراتژی جامع برای کاهش اقتصاد غیررسمی، یکی از بنیادی‌ترین پالیسی‌های ممکن می‌باشد.

اما، دولت به جای پرداختن به مسایل بنیادی‌تر، با معرفی سیاست افزایش مالیات، زمینه را برای افزایش حجم فعالیت‌های غیررسمی آماده می‌کند. مهم‌ترین دلیل دولت برای افزایش مالیات، افزایش درآمدهای داخلی می‌باشد. اما مسئله‌ی اساسی این است که افزایش مالیات، بدون انجام اصلاحات در بروکراسی، قوانین و مبارزه با فساد، نه تنها باعث افزایش درآمدهای دولت نمی‌شود، بلکه از طریق افزایش فعالیت‌های غیررسمی، زمینه را برای کاهش درآمدهای داخلی فراهم می‌سازد.

تجربه‌های تاریخی در بیش‌تر کشورهای روبه‌توسعه و حتا توسعه‌یافته نشان می‌دهد که رابطه بین افزایش مالیات و اقتصاد غیررسمی، رابطه‌ی مستقیم است و افزایش یک درصدی در مالیات، باعث افزایش چندین درصدی در حجم فعالیت‌های غیررسمی می‌شود. بنابراین، سیاست افزایش مالیات، بدون انجام اصلاحات بنیادین در سیستم مالی و بروکراسی دولت، بدون هیچ تردیدی حجم فعالیت‌های غیررسمی را افزایش و درآمدهای داخلی دولت را کاهش خواهد داد.

● **فساد اداری گسترده**

افغانستان یکی از فاسدترین کشورهای جهان است. فساد اداری گسترده در تمامی نهادهای دولتی، ثبات و آینده‌ی کشور را با مخاطره مواجه کرده و تمامی تلاش‌های دولت برای کنترول و کاهش فساد به طرز ناامیدکننده‌ای با شکست روبه‌رو شده‌اند. به خصوص فساد اداری گسترده در وزارت مالیه و نهادهای جمع‌آوری مالیات، همواره یکی چالش‌های جدی در راستای افزایش درآمدهای داخلی دولت بوده است. بر اساس آخرین گزارش یکی از نهادهای بین‌المللی، ۵۰ درصد از کل درآمدهای مالیاتی از گمرک‌های کشور به حساب دولت واریز نمی‌شود. این حجم بزرگ فساد اداری نه تنها در گمرک‌ها، بلکه در تمامی اداره‌های جمع‌آوری مالیات وجود دارد.

با وجود چنین فساد گسترده در اداره‌های جمع‌آوری مالیات، هیچ‌گونه ضمانتی برای موفقیت سیاست افزایش مالیات وجود ندارد. بخش بزرگی از درآمدهای داخلی قربانی فساد اداری می‌شود. تطبیق سیاست افزایش مالیات، سرنوشتی جز افزایش فساد اداری و فربه‌ترشدن کارمندان مفسد اداره‌ی مالیات ندارد. ممکن است بخش ناچیزی از این مالیات به بودجه‌ی دولت برسد؛ اما مطمئناً هزینه‌ی افزایش فساد اداری، هزینه‌ی اداری برای جمع‌آوری این مالیات و هزینه‌ی نظارت از تطبیق این سیاست، به مراتب بیش‌تر از آن چیزی خواهد بود که دولت به دست می‌آورد.

● **مالیات و عرضه‌ی خدمات اجتماعی**

میزان فرار مالیاتی در کشور به‌شدت بالاست. افراد و سرمایه‌گذاران زیادی با استفاده از اوضاع بی‌ثبات و ناامنی‌ها، از پرداخت مالیات فرار می‌کنند. بخشی از فرار مالیاتی آگاهانه بوده و افراد برای کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری، از پرداخت مالیات فرار می‌کنند؛ اما بخش دیگر فرار مالیاتی به دلیل بی‌توجهی دولت در عرضه‌ی خدمات اجتماعی می‌باشد. افراد و سرمایه‌گذاران در بدل پرداخت مالیات به دولت، توقع عرضه‌ی خدمات اجتماعی از جانب دولت را دارند. اما دولت متأسفانه در عرضه‌ی خدمات به‌شدت ضعیف عمل کرده است. امنیت سرمایه‌گذاری وجود ندارد، حمایت‌های قانونی از سرمایه‌گذاران صورت نمی‌گیرد، امکانات مالی و کریدیتی در اختیار آن‌ها قرار نمی‌گیرد، مشوره‌های تخنیکی از طرف دولت وجود نداشته و تمامی امکانات و سهولت‌هایی را که لازم است دولت در اختیار شهروندان و سرمایه‌گذاران قرار دهد، به‌شدت محدود می‌باشند. بنابراین، به صورت بسیار طبیعی و در یک محاسبه‌ی مبتنی بر مقایسه‌ی هزینه-فایده از طرف سرمایه‌گذاران، افزایش مالیات، فرار مالیاتی را به یکی از گزینه‌های مناسب تبدیل خواهد کرد.

تطبیق سیاست افزایش مالیات و بی‌توجهی در عرضه‌ی خدمات اجتماعی و فراهم‌کردن سهولت‌ها برای سرمایه‌گذاران، میزان فرار مالیات را افزایش داده و در نهایت تأثیر منفی بر درآمدهای داخلی دولت برجا می‌گذارد.

علاوه بر این موارد، افزایش مالیات می‌تواند انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های خصوصی را کاهش داده و زمینه را برای فرار سرمایه فراهم کند. به خصوص افزایش مالیات تأثیرهای به‌شدت ناگوار را بر سرمایه‌گذاری‌های کوچک و متوسط برجا خواهد گذاشت.

به صورت خلاصه می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که افزایش مالیات به تنهایی نه تنها منجر به افزایش درآمدهای داخلی دولت نمی‌شود، بلکه درآمد دولت را کاهش می‌دهد. قبل از افزایش مالیات، لازم است تا شرایط لازم را برای کارکرد بهتر اقتصادی خلق کنیم. ایجاد فضای سالم برای رشد سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، خلق چارچوب قانونی سالم و شفاف، افزایش مؤثریت اداره، کاهش اقتصاد غیرقانونی، افزایش حجم معاملات تجارتی و ترانزیتی با کشورهای منطقه، سرمایه‌گذاری برای زیربنای اقتصادی و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری‌ها عواملی اند که تأثیرات‌شان بر درآمد داخلی دولت به مراتب بیش‌تر از تمرکز محض بر افزایش مالیات می‌باشند.

البته باید در نظر داشته باشیم که نقد پالیسی جدید مالیاتی دولت، هیچ‌گاه به معنای نفی مالیات به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد دولت نیست. اما بحث اساسی، ایجاد یک مکانیزم مشخص برای طرح سیاست‌های مالیاتی می‌باشد. تا هنوز طرح سیاست‌های مختلف اقتصادی و به خصوص مالیاتی از طرف دولت نشان می‌دهد که طراحان این سیاست‌ها فهم درستی از اقتصاد نداشته و در اکثر موارد سیاست‌هایی را طرح می‌کنند که در نهایت نتایج برعکس در پی دارند.

بهبود در وضعیت اقتصادی مستلزم طرح سیاست‌های مناسب است که امید می‌رود دولت وحدت ملی در مشوره با متخصصان اقتصاد، جلو هدر رفتن منابع و امکانات را گرفته و سیاست‌هایی را طراحی کند که در نهایت به وضعیت نابه‌سامان اقتصادی کشور پایان بخشد. تداوم سیاست‌های نادرست و ناسنجیده، شرایط اقتصادی ما را با دشواری‌های زیادتر مواجه خواهد کرد.

خبرنگار ناراضی

هادی دریابی

کابل از من است چون امضا دارم!

بحث انتصاب شکریه بارکزی از سوی دکتر محمداشرف غنی به عنوان رییس کمیسیون اصلاحات انتخاباتی و واکنش یکی از مقام‌های ریاست اجرایی، برایم جالب است. مهم‌ترین دلیل توافق سیاسی اشرف غنی و عبدالله عبدالله برای تشکیل حکومت وحدت ملی، اصلاح نظام انتخاباتی بوده است. از همان روزهای اول، توافق شده که اعضا و رییس این کمیسیون با توافق هردو طرف، یعنی طرف اشرف غنی و عبدالله عبدالله، تعیین خواهند شد. حالا گفته می‌شود که خانم شکریه بارکزی، اصلاً در فهرست افراد پیش‌نهادی برای عضویت و ریاست این کمیسیون نبوده تا روی آن چانه‌زنی برای توافق صورت بگیرد. خدا می‌داند جناب‌شان در چه وضع و حالی بوده که یک دفعه به ذهنش رسیده این وکیل مردم را در ریاست کمیسیون اصلاحات انتخاباتی بگمارد. او از این کارها زیاد کرده و احتمالاً بازهم خواهد کرد. بگذریم...

حالا مسئله‌ی اصلی در این نوشته، دلایل و توجیهات باید رییس‌بودن خانم شکریه بارکزی و دلایل رد این بانو برای شایستگی این مقام از سوی آصف آشنا، معاون سخنگوی ریاست اجرایی می‌باشد. شکریه بارکزی با سبک مخصوص خودش گفته که من رییس این کمیسیونم؛ چون آقای اشرف غنی ریاست مرا امضا کرده است. او که در یک برنامه‌ی تلویزیونی صحبت داشته، خطاب به ملت همیشه بی‌خبر افغانستان گفته که بلی! همان امضایی که دکتر عبدالله را رییس اجرایی ساخته، همان امضا مرا رییس کمیسیون اصلاحات انتخاباتی مقرر کرده است. بناءً احدی حق ندارد مقابل من سخن راست یا ناراست بگوید. (یکی نیست بگوید که بگیر خوده که تفنگچه‌ات می‌افته) والا!

بعد آصف آشنا از مقام معاون سخنگوی ریاست اجرایی نوشته که خانم بارکزی فراموش کرده که خود اشرف غنی با امضای دکتر عبدالله در سمت فعلی‌اش منصوب شده، حتا اگر خود دکتر عبدالله هم با امضای اشرف غنی، رییس اجرایی تعیین شده باشد. سخن هردو طرف را می‌توان بسط داد. انتخابات پارسال گذشت. جار و جنجال‌هایش تا هنوز ادامه دارند. میزان تقلب و تداخل در انتخابات را تقریباً همه می‌دانیم. نیازی نیست پیرامون تقلب و تداخل حضرات برای رقم‌زدن نتیجه‌ی انتخابات خلاف آن‌چه بود، بپیچیم. گذشته‌ی سیاسی خانم بارکزی نیز کماکان معلوم است. حداقل در دوران انتخابات ریاست جمهوری و کارزار انتخاباتی ستادها. او که یکی از حامیان اشرف غنی و توجیه‌گران فعالیت‌های ستاد تحول و تداوم بود، حالا شاید به پاس همان فعالیت‌ها و خدماتش، به عنوان رییس کمیسیون اصلاحات انتخاباتی از سوی اشرف غنی منظور می‌شود. شاید هم دلیل انتصاب او فراتر از این حرف‌هاست و ما ملت همیشه بی‌خبر، بی‌خبریم. حتا اگر گذشته‌ی وابستگی او را در نظر نگیریم، خود او به‌خوبی اثبات می‌کند که شایسته‌ی این سمت نیست. مثلاً ایشان برای اقناع طرف اشرف غنی (ریاست اجرایی) و مهم‌تر از همه، برای اقناع ملت روی پرده‌ی تلویزیون با دماغ ارتفاع‌آسای خویش می‌گوید که من برای توجیه حضورم در مسند ریاست کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، امضای اشرف غنی را دارم. یعنی گور پدر هرچه توافق سیاسی است و گور پدرکلان هر کسی که مرا به عنوان رییس قبول ندارد.

خیلی خوب. تشکر خانم بارکزی! من که شخصاً درایت شما را کشف کردم. مطمئنم اگر شما عنوان ریاست این کمیسیون را به دست آرید و بتوانید اعمال صلاحیت و سیاست کنید، قوانین انتخاباتی یا نظام انتخاباتی بدون شک چنان اصلاح خواهند شد که صاحب امضا می‌خواهد، نه آن‌گونه که باید اصلاح شود. اصلاً گور پدر نظام انتخاباتی افغانستان! چرا؟ چون در هر صورتش تا زمانی که حق با اشرف غنی و جناب شما (خانم بارکزی) باشد، ما می‌ترسیم که بعدها شما دوسیه زیر بغل‌تان باشد، مثلاً یک روز در شاه دوشمشیره یک موتر لوکس را با زور ترافیک متوقف کنید و امضا بکشید که این موتر از شماست. یا در ماه رمضان به یخ‌چال‌فروشی بروید، امضا بکشید که فلانی یخ‌چال بزرگ که سیزده سیر خربوزه گنجایش دارد، مال شماست. نگو که در حد این کارها خودت را سبک نخواهی کرد. این وقاحتی را که حالا با داشتن یک امضا از خود صادر می‌کنی، آمادگی تو را برای هر کاری نشان می‌دهد. شرکت‌های بزرگ و املاک سکته‌افزای دیگران را نگفتم، خیر است شما ببخشید!

جواب آقای آشنا هم چنین بود: این‌که خانم بارکزی درس خوانده و میلیاردها بار باورهایش را نسبت به ارزش‌های دموکراتیک به طرف مردم شلیک کرده، بر همگان معلوم است. ما هم منکرش نیستیم. اما قربان بروم خدا را با چنین بنده‌هایش. ما یک هفته پیش ایشان را رد کردیم و گفتیم که بنا به دلایلی مشخص، قبولش نداریم. ایشان بعد از یک هفته روی پرده‌ی تلویزیون آمده و هی تأکید می‌کند که امضا دارد. برو همشیره! اگر دکتر عبدالله با امضای اشرف غنی رییس اجرایی شده، خود اشرف غنی هم با امضای دکتر عبدالله رییس جمهور شده. خوب می‌فهمی که شرط توافق سیاسی هردو محترم هم اصلاح نظام انتخاباتی بود و از همان روزهای اول قرار شد هر عضو این کمیسیون در صورتی عضویت این کمیسیون را به دست خواهد آورد که مورد توافق هردو طرف باشد. با وجودی که این را می‌فهمی، نمی‌فهمم چه خوردی که باز هم شله هستی. تو که یک هفته قبل از سوی ما رد شدی، پس بی‌خود زور نزن! ما (هردو طرف) این‌جا کلی آدم فهرست کردیم که روی عضویت آن‌ها با هم مذاکره کنیم. تو که اصلاً در فهرست اولیه هم نیستی! برو خدا روزی‌ات را جای دیگری حواله کند.

اما انگار نه انگار، امضای اشرف غنی بمب هسته‌ای است و هرکسی که آن را با خود داشت، برگ برنده‌ی بازی هم دست اوست. به نظر شما، شما احتمالاً از خصوصیات و توانایی‌های خانم بارکزی بیش‌تر از من آگاهید، این لگد زدن در قدم اول به شعور خود خانم بارکزی و در قدم بعدی لگدزدن به دماغ مردم نیست؟ یعنی آن‌هایی که رای مردم را به سخره گرفتند، باز هم باید مملکت را با تمام محتویایش به سخره بگیرند؟ حق دارند؟ خدا می‌داند برای چه چیزهای دیگر امضا گرفته، ما که از صدور امضا خبر نمی‌شویم.

امریکا به جای کندساختن روند خروج نظامیانش از افغانستان، باید آن را تسریع کند

منبع: هافینگتن پست
نویسنده: DOUG BANDOW
برگردان: حمید مهدوی

بخش دوم و پایانی

اکنون تعدادی از پالیسی‌سازان امیدوارند از خود یک پایگاه لیبرال و دموکراتیک در آسیای مرکزی برجای بگذارند. افغانستان امروز، در مقایسه با دوران طالبان، یک کشور بسیار پیش‌رفته، با مردمان روشن و دارای ارتباطات است. اما دست‌آوردها شکننده و ناکامی‌ها چشم‌گیرند. حکومت مرکزی نتوانسته به مردم خدمت کند، از آن‌ها محافظت کند یا وفاداری آن‌ها را حفظ کند. تقلب و ضایعات در برنامه‌های کمک‌رسانی بین‌المللی حماسه‌اند. وقتی کابل بازداشت‌شدگان را شکنجه می‌کند و نمی‌تواند عدالت را تأمین کند، مانند یک سربازگیرنده برای طالبان عمل می‌کند. تا زمانی که حکومت افغانستان فاسد و بی‌کفایت بماند، مردم افغانستان متفرق و قبیله‌ای می‌مانند، طالبان مصمم و خشن می‌مانند، پاکستان دشمن می‌ماند و نفع می‌برد و دیدن یک افغانستان باثبات، امن و غربی یک خیال واهی می‌ماند.

بعید است ادامه‌ی حضور نظامیان امریکایی این وضع را تغییر بدهد. ده‌ها هزار نیرو، قربانی‌شدن هزاران نفر، صدها میلیارد دالر هزینه و هزاران پروژه‌ی کمک‌رسانی از سوی آمریکا نتوانستند مشکلات این کشور را برطرف کنند. حضور بسیار اندک نیروهای ایالات متحده ناکارایی‌های عمیق حکومت را اصلاح نخواهد کرد. نیروهایی که تعدادشان کاهش یافته است، برای دفاع از این حکومت بسیار اندک خواهند بود؛ اما برای این‌که درگیر نباشد، به‌ویژه در صورتی که در فعالیت‌های گسترده‌ی «ضدتروریسم» دخیل شوند، بسیار زیاد خواهد بود. انتظار نمی‌رفت ملت سازی در آسیای مرکزی کار آسانی باشد. افغانستان، نسخه‌ای از [کشورهای] امریکایی یا اروپایی نیست که از لحاظ توسعه با این کشورها تفاوت اندکی داشته باشد. این تفاوت‌های عمیق، توسط شورش مرگ‌بار پس از سوزاندن قرآن توسط نیروهای امریکایی و در آمریکا، برجسته شدند. قتل‌های چارلی هبدو در پاریس ماشه‌ی تظاهرات افغان‌ها به طرفداری از قاتلان را کشید و هزاران تن دیگر علیه نشر کارتون‌ها، در یک مورد دیگر، تظاهرات کردند.

انصافاً افغانستان هنوز می‌تواند سرانجام به یک کشور لیبرال تبدیل شود؛ اما صرف با ضوابط مختص به خودش. بسیاری از افغان‌ها آرزوی آزادی و برابری دارند. با این حال، ایالات متحده نمی‌تواند افغانستان را به یک دولت ملی مدرن تبدیل کند، حد اقل با هزینه‌ی معقول و در زمان قابل قبول. و هیچ کسی نباید انتظار یک حکومت مرکزی قوی در کنار اصول غربی را داشته باشد.

خوش‌بختانه، تا زمانی که افغانستان میزبان تروریست‌هایی که تمایل حمله به ایالات متحده را دارند، نباشد؛ آنچه که پدید می‌آید زیاد به امریکا مربوط نمی‌شود. این جنگ تأثیرات منطقه‌ای دارد؛ اما پیامدهای قابل توجهی برای امریکا ندارد. جنگ در افغانستان، پاکستان را بی‌ثبات می‌سازد. با این‌حال، قبل از مداخله‌ی واشنگتن نیز مسئله همین بود. در واقع، مداخله‌ی امریکا، به تقابل پیاپی میان واشنگتن و اسلام‌آباد منجر شده است.

هند، ایران، چین و روسیه در غیبت حضور قوی امریکایی‌ها مداخله خواهند کرد. کشورهای همسایه‌ی اسیای میانه نیز به افغانستان علاقمند اند؛ عربستان سعودی و ترکیه به فاصله‌ی بیش‌تر توجه می‌کنند. با کاهش تعداد نیروهای امریکایی، به ناچار بازی بزرگ به راه انداخته خواهد شد. اما بهتر است آن‌ها این کار را بدون امریکا انجام دهند تا این‌که ایالات متحده تلاش کند مانع اشغال دایمی آن‌ها شود.

امنیت امریکا به ثبات آسیای مرکزی وابسته نیست. از آنجایی که واشنگتن دیگر قدرت‌های همسایه [افغانستان] را به همکاری در زمینه‌ی دستیابی به اهداف مشترک کلان تشویق نمی‌کند، واشنگتن باید با این قدرت‌ها سر و کله بزند؛ اهداف مشترک کلانی که هیچ قدرت دشمن، داخلی یا خارجی، بر افغانستان تسلط نخواهد یافت و از قلمرو آن علیه دیگر کشورها استفاده نخواهد کرد. بهترین راه حل خودداری افغان‌ها از صف بندی‌ها و عدم مداخله‌ی خارجی خواهد بود. با تسریع روند خروج نیروهای امریکایی، واشنگتن کارهای بسیار زیادی برای انجام دادن دارد. ایالات متحده باید به افغان‌هایی که به هم پیمانانش کمک کرده است، از قبیل ترجمانان و افغان‌های آزاد اندیشی که در نظم جدید خطر متوجه شان خواهد بود، پناه بدهد. حکومت امریکا باید بر گفت‌وگوها با طالبان تاکید کند، گفت‌وگوهایی که در صورت برگشت دوباره‌ی طالبان به قدرت، هشداری است برای خطوط قرمز امریکا (در درجه‌ی نخست بازگشت القاعده).

مهم‌ترین وظیفه‌ی امریکا احتمالا این است که از زمان باقی‌مانده برای تشویق از سرگیری گفت‌وگوها میان حکومت افغانستان و طالبان استفاده کند. در چشم‌انداز موفقیت باید هیچ توهمی جای نداشته باشد. تلاش‌ها به منظور دستیابی به یک توافق صلح‌آمیز به بیش از ۴۰ سال قبل بر می‌گردد، به کودتای ۱۹۷۳ که کشور را بی‌ثبات کرد و جنگ‌های بی‌پایان را راه انداخت و مداخلات خارجی‌ها را چندبرابر کرد.

البته، واشنگتن امیدوار است مانع پیروزی طالبان شود. آینده مقدر نیست. حتا محمد نجیب‌الله، موکل بسیار منفور شوروی، پس از خروج مسکو، بیش از سه سال در برابر مجاهدین زنده ماند.

با این‌حال، نشانه‌های هشدارآمیز واضح اند: از زمان آغاز جنگ در سال ۲۰۰۱، سال گذشته مرگ‌بارترین سال برای نیروهای ملی امنیتی افغانستان بود. (تلفات ملکی نیز پنج برابر افزایش یافت و به بلندترین سطحش پس از سال ۲۰۰۹ رسید). فرانس استیفن گیدی، در دیپلمات گزارش داد: «نیروهای ملی امنیتی افغانستان هنوز آزادانه در کشور حرکت کرده نمی‌تواند. مناطقی وجود دارد که نیروهای ملی امنیتی افغانستان رفته نمی‌توانند، مناطق دیگری وجود دارند که آن‌ها با پیشتیبانی هوایی امریکایی‌ها می‌روند و مناطق دیگری وجود دارند که آن‌ها به تنهایی می‌روند» و اکثرا شهرهای کلان اند. اردوی ملی پرهزینه‌ی افغانستان با فرسایش بلند و فزاینده‌ی نیرو مواجه است و متاسفانه سال گذشته نتوانست به هدف توان رزمی‌اش دست یابد. سربازرس ویژه برای بازسازی افغانستان هشدار داد که تعداد ۱۶۹۰۰۰ تن در ماه اگوست سال گذشته، «کمترین تعداد نیروهای اردوی ملی از ماه اگوست ۲۰۱۱ تا کنون بود». جوزف اندرسون، معاون پیشین فرمانده امریکایی در افغانستان این نرخ فرسایش [نیرو] را ناپایدار خواند. آیا تعداد بسنده‌ای از مردان جوان افغانستان آماده اند برای حکومت غنی، بدون حمایت مستقیم ایالات متحده، بمیرند؟ ایوان ایلند، از «اندیپندنت انستیتوت» ابراز نگرانی کرد که «اگر نیروهای امنیتی افغانستان، مانند نیروهای عراقی‌ای که توسط امریکا آموزش دیده بودند، به طور کلی سقوط نکند»، گرایش فعلی عقب نشینی و جاخالی دادن توسط نیروهای امنیتی افغانستان «بدون شک شتاب خواهد یافت».

امیدواری اصلی کابل، ضعف طالبان است. وحشی گری و آشوب این جنبش، به قیمت قطع حمایت از این جنبش تمام شده است. سازمان ملل متحد اشاره کرد «در درجه‌ی اول دلیل اختلافات، تفاوت‌ها در مورد استراتژی سیاسی است» و هم چنین گروه‌ها «با خودمختاری فزاینده‌ای» عمل می‌کنند. در برخی از نقاط، طالبان بیش‌تر شبیه گروه‌های جنایت‌کار عمل می‌کنند. در مناطق دیگر، مانند ولایت شمالی بدخشان، رهبران این جنبش به طور شگفت‌انگیزی لیبرال بوده‌اند. طالبان نیز با رقابت‌های خشونت امیز از سوی گروه‌هایی مواجه است که ادعایوفاداری به دولت اسلامی را دارند.

علاوه بر این، پایان دخالت فعال جنگی متفقین، ماموریت این گروه در زمینه‌ی سرنگونی نیروهای خارجی و بازگرداندن حکومت خودش، را تضعیف می‌کند. ظاهرا طالبان از لحاظ نظامی نیز تضعیف شده است. با خروج نیروهای خارجی، این گروه حملات انتحاری شدیدی را در کابل راه‌اندازی کرده است، تیراندازی‌های داخلی، به شمول موردی که در ماه آگست سال گذشته به کشته شدن یک جنرال امریکایی منجر شد، تشدید کرده است و مناطقی را در ولایت‌های هلمند، کنر و قندوز تحت کنترولش درآورده است؛ اما هیچ شهری را تصرف نکرده است. بسیاری از نقاط کشور اکنون در مقایسه با چند سال قبل، امن‌تر اند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که اکثریت افغان‌ها از توافق در نتیجه‌ی گفت‌وگوها با شمولیت طالبان در نظام سیاسی حمایت می‌کنند. رسیدن به توافق آسان خواهد بود اگر مسایل در درجه‌ی اول در مورد افغانستان باشد، نه اهداف امریکا و دیگران.

در واقع حکومت غنی در مقایسه با حکومت قبلی، از لحاظ سیاسی ماهرتر به نظر می‌رسد. رییس جمهور غنی در راستای بهبود روابط با پاکستان کار کرده است. احتمالا اسلام‌آباد، پس از سال‌ها حمایت از طالبان، آماده باشد تا گفت‌وگوها را تشویق کند. حمله‌ی مرگبار ماه دیسامبر بر مکتب مربوط به کودکان نظامیان در پشاور، احتمالا در توضیح تغییر رشادت اسلام‌آباد کمک می‌کند. بسیاری از اهداف پاکستان، با بودن یک حکومت جدید طالبان در کابل، تأمین خواهند شد. حتا چین، با نیم‌نگاهی به ثروت معدنی افغانستان، توافق دیپلماتیک را تشویق می‌کند.

حکومت باید به وعده‌اش مبنی بر ترک‌کردن افغانستان عمل کند. جو بایدن، معاون رییس جمهور، قبل از آخرین انتخابات ریاست جمهوری تذکر داد: «ما [افغانستان] را ترک می‌کنیم. ما [این کشور] را در سال ۲۰۱۴ ترک می‌کنیم». اکنون، اشتون کارتر، وزیر دفاع امریکا، گفت که رییس جمهور «تغییرات احتمالی در جدول زمانی خروج نیروهای امریکایی» را در نظر دارد. اما سیزده سال جنگ، از مرز کفایت هم گذشته است.

چیزی که به همین اندازه مهم است، این است که واشنگتن باید از تلاش‌هایش مبنی بر مهندسی اجتماعی در سطح جهان دست بکشد. همان‌طور که ایالات متحده در عراق، بالکان، یمن، سومالی، لیبیا و هم‌چنان افغانستان کشف کرد؛ حمله با هواپیماهای بدون سرنشین، بمباردمان، تجاوز و اشغال کشورهای دیگر به‌ندرت به صلح و ثبات می‌انجامد. در واقع، کنترول محلی با نشانه‌ی خشونت دوام‌دار، مشخصه‌ی دایمی افغانستان بوده است. هدف اصلی واشنگتن باید جلوگیری از شکل‌گیری پناه‌گاه جدید برای تروریستان باشد. فراتر از آن، از اهمیت منافع امریکا کاسته می‌شود، نه دیگر ارزش دارد و نه احتمالا با استفاده از روش‌های نظامی دست‌یافتنی اند. افغانستان یک تراژدی است. متأسفانه این تراژدی به این زودی تغییرپذیر نیست. حالا نوبت امریکاست که این کشور را ترک کند. افغانستان باید روزی روی پای خودش بایستد. آن روز، باید امروز باشد. تنها افغان‌ها می‌توانند در مورد سرنوشت افغانستان تصمیم بگیرند.

چیزی که به همین اندازه مهم است، این است که واشنگتن باید از تلاش‌هایش مبنی بر مهندسی اجتماعی در سطح جهان دست بکشد. همان‌طور که ایالات متحده در عراق، بالکان، یمن، سومالی، لیبیا و هم‌چنان افغانستان کشف کرد؛ حمله با هواپیماهای بدون سرنشین، بمباردمان، تجاوز و اشغال کشورهای دیگر به‌ندرت به صلح و ثبات می‌انجامد. در واقع، کنترول محلی با نشانه‌ی خشونت دوام‌دار، مشخصه‌ی دایمی افغانستان بوده است. هدف اصلی واشنگتن باید جلوگیری از شکل‌گیری پناه‌گاه جدید برای تروریستان باشد. فراتر از آن، از اهمیت منافع امریکا کاسته می‌شود، نه دیگر ارزش دارد و نه احتمالا با استفاده از روش‌های نظامی دست‌یافتنی اند. افغانستان یک تراژدی است. متأسفانه این تراژدی به این زودی تغییرپذیر نیست. حالا نوبت امریکاست که این کشور را ترک کند. افغانستان باید روزی روی پای خودش بایستد. آن روز، باید امروز باشد. تنها افغان‌ها می‌توانند در مورد سرنوشت افغانستان تصمیم بگیرند.

چگونگی کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی

بشیر یاوری

سال گذشته در همین روزها انتخابات ریاست جمهوری در جریان بود، مردم به انتخابات به عنوان یک سازوکار مدنی و دموکراتیک ارج گذاشتند و شکوهمندانه در پای صندوق‌های رای گیری شرکت کردند.اما، تقلب‌های گسترده در روند انتخابات از سوی ستادهای انتخاباتی و دخالت اعضای برجسته‌ای کمیسیون انتخابات باعث شد که انتخابات به بی‌راهه برود.این مشکل کشمکش بزرگی را بر سر نتیجه‌ای انتخابات بوجود آورد، ماهها طول کشید که این کشمکش خاتمه پیدا کند. درنهایت با میانجی‌گری وزیرخارجه امریکا، حکومت وحدت ملی تشکیل شد و هر دو نامزد پیشتاز (اشرف غنی و عبدالله) در راس این حکومت قرار گرفتند. یکی از موادهای مهم موافقتنامه تشکیل حکومت وحدت ملی اصلاح نظام انتخاباتی می‌باشد که باید سران این حکومت، نظام انتخابات را اصلاح کند تا باردیگر جنجال‌های انتخاباتی به وجود نیاید. به این هدف رییس جمهور کمیسیونی را برای ایجاد اصلاح نظام انتخاباتی تشکیل داده و اعضای آن نیز از هر دو جناح حکومت مشخص شده اند. این کمیسیون، هنوز کارش را شروع نکرده است.

رییس اجرایی داکترعبدالله، از معرفی خانم شکریه بارکزی در راس این کمیسیون، رضایت ندارد. نهادهای نظارت کننده انتخابات، نیز اعضای کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی را غیرتخصصی و جانب‌دارانه می‌دانند. بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه (فیفا) دیروز در بیانه‌ای خویش گفت که اعضای کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی بر اساس اصل شایستگی و تخصص معرفی نشده اند و به جناح‌های حکومت وابستگی دارند. باید اعضای این کمیسیون افراد بی‌طرف و آشنا به مسایل انتخابات باشند، تا بتوانند در آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی خوب عمل کند. مشکل دیگری که این نهاد مطرح کرده،این است که صلاحیت‌های کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی محدود و تشریفاتی بوده و نقش اجرایی آن در نظر گرفته نشده است.

چگونگی برگزاری انتخابات گذشته ریاست جمهوری و پارلمانی افغانستان می رساند که نارسایی‌هایی در نظام انتخاباتی کشور وجود دارد و هر باری که انتخابات برگزار شده،جنجال‌های بزرگی را برسر نتایج و رسیدگی به مشکلات آن به وجود آورده است. مشکل عمده‌ای را که انتخابات های گذشته داشته، این است که دست دخالت مقامات رهبری کننده دولت در امور انتخابات و گزینش اعضای نهادهای انتخاباتی باز می‌باشند و کمیسیوهای انتخاباتی با آن‌که عنوان مستقل دارند. اما، اعضایش با دخالت مستقیم و غیر مستقیم رییس جمهور مشخص می‌شوند و نقش اعضای ارشد نهادهای برگزار کننده انتخابات در جهت‌دهی نتیجه‌ای انتخابات موثر بوده است.

بیشتری از جنجال‌های انتخاباتی ناشی از مداخله و عدم بی‌طرفی مسوولان طراز اول کمیسیون‌های انتخاباتی بوده و هنجارهای انتخاباتی را همین افراد زیرپا کرده اند.

با توجه به این مساله، برای این‌که نظام انتخاباتی به طور بنیادی اصلاح شود، باید کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی از ترکیب افراد شایسته، متخصص و بی‌طرف باشند و این کمیسیون صلاحیت‌های لازم و اجرایی داشته باشد که بتواند نظام انتخاباتی را به درستی بررسی کرده و نارسایی‌هایی آن را برطرف سازد. کسانی که تاکنون به عنوان اعضای کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی، معرفی شده اند به جناح‌های حاکمیت وابستگی دارند. وابسته بودن اعضای این کمیسیون به جناح‌های حکومت سبب می شود که این افراد تحت تاثیر گرایش‌ها و خواست‌های سیاسی شان قرار بگیرند و تغییرات در نظام انتخاباتی را سلیقه‌ای مطرح کنند. اشکالات اساسی در نظام انتخاباتی به طور بنیادی رفع نگردد. گذشته نهادهای انتخاباتی می رساند که نقش اعضا و رییسان آن مهم اند.

بنابرین؛ نگرانی نهادهای نظارت کننده انتخابات از نداشتن صلاحیت اجرایی کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی و عدم بی طرفی اعضای این کمیسیون، موجه و منطقی است. سران حکومت باید نسبت به کارکرد موثر این کمیسیون برای آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی اهمیت دهد تا کارکرد سازنده کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی سنگ بنای باشد برای اصلاح نظام انتخاباتی.

اگر به این امر مهم توجه نشود،اصلاحات بنیادی در نظام انتخاباتی به وجود نمی‌آید. با نظام ناسالم انتخاباتی هرباری که انتخابات برگزار شود با دشواری و چالش مواجه می‌شود و این مساله به دموکراسی و تقویت ارزشهای دموکراتیک ضربه می‌زند.

زندگی دشوار و پرخطر فعالان زن در افغانستان

علی‌شیر شهیر

سازمان جهانی عفو بین‌الملل تحقیق تازه‌ای را در مورد زندگی زنان فعال حقوق بشری در افغانستان انجام داده است. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که نقض حقوق زنان و سطح پایین اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان در افغانستان نشان می‌دهد که دولت در زمینه‌ی از بین‌بردن رفتارهای تبعیض‌آمیز علیه زنان و کاهش تفاوت جنسیتی در جامعه ناکام بوده است. این تحقیق می‌گوید، بعضی از ارزش‌ها و هنجارهای سنتی افغانستان باعث خشونت با زنان می‌شوند. زنان فعال حقوق بشری با آن مبارزه می‌کنند و در زندگی و مبارزه‌ی اجتماعی خویش با آن بر می‌خورند و این ارزش‌ها و هنجارهای سنتی باعث توجیه قتل آن‌ها هم می‌شوند.

این تحقیق با نام «زندگی آن‌ها در خطر است»، در سیزده ولایت انجام شده و یگانه تحقیقی است که زندگی و دشواری‌های کار فعالان زن افغانستان را بازگو می‌کند.

ریچرد بنیت (Recherd Bennet)، رییس سازمان عفو عمومی بین‌الملل در افغانستان، دیروز در نشست خبری‌ای نتیجه‌ی این تحقیق را چنین بیان کرد: «از سال ۲۰۱۳ شاهد گسترش حملات خشونت‌آمیز علیه زنان معروف در افغانستان بوده‌ایم. مهاجمان گفته‌اند که هدف حملات‌شان زنانی بوده که برای‌شان کار می‌کردند یا نقش مردمی داشته‌اند».

نتیجه‌ی این تحقیق نشان می‌دهد که گروه‌های مخالف دولت، زنان بانفوذ، فعال و مدافع حقوق بشر را هدف حمله قرار می‌دهند که ترس و وحشت میان سایر مدافعان حقوق بشری زنان ایجاد شود و آنان مجبور شوند از فعالیت‌های‌شان دست بکشند.

حوریه مصدق، یکی از محققان این تحقیق داستان تلخ زندگی خانم روگل خیرخواه، سناتور ولایت نیمروز در غرب افغانستان را یادآور شد و گفت، بانو روگل به تاریخ ۴ آگست سال ۲۰۱۳ دو روز پیش از جشن عید، زمانی که با موترش به طرف خانه‌اش در ولایت نیمروز روان بود، در مسیر راه، از سوی طالبان بر موترش حمله شد که در این حمله شوهر، سه فرزند و برادرش نیز همراهش بوده‌اند. دختر هفت ساله‌ی سناتور و برادرش در این حمله کشته می‌شوند و دختر دیگرش که در زمان حمله ۱۱ ساله بود، از اثر جراحت‌هایی که بر بدنش وارد شده، فلج می‌شود. خود خانم روگل هدف ۹ گلوله قرار می‌گیرد و از قسمت جگر، شش و پاهایش جراحت بر می‌دارد، یک انگشت خود را از دست می‌دهد و سه انگشت دیگرش فلج می‌شوند. بانو حوریه افزود که بعد از سپری‌شدن دو سال از این حادثه، خانم خیرخواه تا کنون جوابی مبنی بر این‌که کی‌ها مسئول قتل دختر و برادر و این حمله می‌باشند، از طرف دولت دریافت نکرده است.

بانو مصدق افزود، این سرگذشت بانو خیرخواه تکان‌دهنده است. این تنها سرگذشت تلخ برای زنان فعال حقوق بشری نیست. تنها در یک‌ماه، از آگست تا نوامبر، ۵۰ بانوی مدافع حقوق زن در افغانستان که در این تحقیق مصاحبه کرده‌اند، هرکدام چنین تجربه‌های غم‌انگیزی داشته‌اند.

سلیل شتی، دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل پیش‌نهادهای مشخصی برای دولت افغانستان، جامعه‌ی جهانی و گروه‌های مسلح ارائه کرد و گفت، ناکامی سیستماتیک اداره‌های اجرایی حکومت برای تأمین امنیت و پاسخ‌گو نبودن به تهدیدها و عدم پی‌گیری پرونده‌های حمله به مدافعان حقوق بشری زنان، از تخطی‌های حقوق بشر به شمار می‌روند که دولت افغانستان مرتکب شده است. آقای شتی می‌گوید، قوانین و پالیسی‌ها به تنهایی نمی‌توانند در اجتماع تغییر بیاورند. دولت افغانستان برای تطبیق کامل تعهداتش در زمینه‌ی تأمین حقوق بشر، باید از خود اراده‌ی سیاسی نشان دهد.

دفتر یوناما نیز در سال ۲۰۱۳ تحقیقی در مورد کشتار زنان در افغانستان به نشر رسانده که نشان می‌دهد کشتار زنان در سال ۲۰۱۴ در مقایسه با ۲۰۱۳، ۲۰ درصد افزایش یافته است. در تحقیق این نهاد آمده است که علت قتل زنان، خشونت‌های خانوادگی و ارزش‌های زن‌ستیزانه می‌باشند. این نهاد تصریح کرده که کشتن زنان فعال آگاهانه انجام می‌شود و به خاطر فعالیت‌های آن‌ها صورت می‌گیرد.

کی‌ها فعالان حقوق زن را می‌کشند؟

یافته‌های سازمان عفو بین‌الملل نشان می‌دهند، طالبان و گروه‌های مسلح مخالف دولت، مسئول بیش‌ترین خشونت‌ها با زنان و قتل فعالان حقوق بشری زنان می‌باشد و به جز طالبان، مقام‌های دولتی، فرماندهان قدرت‌مند و جنگ‌سالارانی که توسط مقام‌های محلی حمایت می‌شوند نیز در خشونت‌ها علیه زنان دست دارند. این نهاد می‌گوید، در جریان پژوهش با دختری مصاحبه داشته‌اند که ۱۴ بار از سوی مقام‌های محلی بر او تجاوز جنسی شده است و هیچ‌کسی برایش دادخواهی نکرده است. این سازمان می‌گوید که از میان ۵۰ قضیه‌ی خشونت با زنان، دولت صرف به یک مورد آن رسیدگی کرده است.

سازمان عفو بین‌الملل علت افزایش خشونت علیه زنان را ناکامی دولت در زمینه‌ی به محاکمه کشاندن مجرمان و خشونت‌گران می‌داند و می‌گوید، این امر یکی از علت‌های افزایش خشونت علیه زنان و قتل فعالان حقوق بشری زنان در افغانستان می‌باشد.

چهل تکه

یادداشت‌های سخیداد هاتف

من چه می‌گویم، تو چه می‌گویی؟

در سرزمین محاط به خشکه‌ی ما وقتی مردم در بحرِ تفکر فرو می‌روند، اندیشه‌های گهرباری کشف می‌کنند و چون از بحر تفکر بیرون می‌آیند، به خاطر آن اندیشه‌های گهربار آن‌قدر به سر و روی هم‌دیگر می‌زنند که سازمان ملل مجبور به دخالت شود. البته همیشه هم نتیجه جنگ و دعوا نیست. گاهی با مقداری چشم چپ‌کردن و چشم تنگ‌کردن و سر جنباندن مشکل حل می‌شود. در این میان، یک فرم گفتاری تولید شده که فقط در کشورهای محاط به خشکه تولید می‌شود. آن فرم این است: من می‌گویم این است، تو می‌گویی آن است. من می‌گویم فلین است، تو می‌گویی فلان است. مثلا این طوری می‌گویند: من می‌گویم خسرم هنوز متولد نشده، تو می‌گویی اولادها خوب اند انشاالله؟

من بعضی از این جفت‌های گفتاری را در میهن شیران ثبت کردم و گفتم با شما هم در میان بگذارم:

- من می‌گویم نان خشک نداریم، تو می‌گویی مشاور ارزان داریم به چند می‌خری.

- من می‌گویم آیا مادران محترمِ مقامات دولتی ما سال‌ها پیش در روز تولد اینَ مقامات خوش‌حال شده باشند، تو می‌گویی برق ما از بس زیاد است، وقتی سویچِ خاموش را می‌زنیم هم خاموش نمی‌شود.

- من می‌گویم این ۳۱ نفر چه شدند، تو می‌گویی سپس فرزند برومند جنرال عبدالرشید دوستم از فرزند برومند استاد محقق سپاس‌گزاری نموده و اظهار امیدواری کرد که در آینده نیز بتوانند به دایرکردن چنین جلسات مفید ادامه بدهند. سپس فرزند برومند استاد محقق با اشاره به نقش رهبران جوان از فرزند برومند جنرال دوستم تشکر کرد و سپس جلسه با دعای خیر به خاطر آمدن صلح و آرامش به وطن خاتمه یافت.

- من می‌گویم دولت این ماه به من معاش نداده، تو می‌گویی دوستان عزیز، تا نوروز سال آینده فقط یازده ماه و چند روز مانده و مطمئنم که نمی‌خواهید کسی که دوستش دارید و باید دوست داشته باشید، از برنامه‌ی ستاره‌ی افغان حذف شود. به همین خاطر لطف کنید و از همین حالا پول‌های‌تان را برای رای‌دادن به این ستاره که فعلا معلوم نیست کیست، ذخیره نمایید.

- من می‌گویم رییس جمهور ما قصد دارد به یمن نیرو بفرستد، تو می‌گویی (نه، تو هیچ چیز نمی‌گویی، چه داری که بگویی؟)

- من می‌گویم سرنوشت این دختر شش ساله که سرش تجاوز شده بود به کجا رسید، تو می‌گویی تازه‌ترین گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در باره‌ی تخریب محیط زیست در جنگل‌های آمازون را خوانده‌ای؟

نگاهی نو به سه‌چرخه‌های الکتریکی

امروزه اسکوترهای الکتریکی به یکی از مناسب‌ترین گزینه‌ها برای استفاده در سیستم حمل‌ونقل شهری تبدیل شده است که استفاده از آن‌ها نه تنها از نظر اقتصادی و به عبارتی مصرف سوخت، مقرون به صرفه خواهد بود، بلکه ابزاری سازگار با محیط‌زیست است که پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از توسعه‌ی سیستم‌های حمل‌ونقل شهری را به حداقل ممکن می‌رساند.
اما در مقابل این مزیت‌ها، تنها عیب این سه‌چرخه‌ها این است که امکان حمل بیش از یک سرنشین با این اسکوترها وجود ندارد و معمولا برای یک سرنشین مناسب است.
شرکت‌های بزرگی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، در تلاش هستند با ایجاد تغییراتی در طراحی و شکل ظاهری این اسکوترها، این نوع سه‌چرخه‌های الکتریکی را به ابزاری تبدیل کنند که بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند. یکی از جدیدترین ایده‌های مطرح‌شده برای ساخت اسکوترهای برقی، سه‌چرخه‌های باری الکتریکی موسوم به جوهانسن ۳ (JOHANSON ۳) است که شکل ظاهری منحصربه‌فردی دارد.

جوهانسن ۳، چندنفره است

شاید به نظر برسد این وسیله با هدف امکان حمل بار همراه سرنشین به این شکل طراحی شده؛ اما حقیقت این است که هدف از طراحی این سه‌چرخه، حمل سرنشینان بیش‌تر است. قسمت جلو این سه‌چرخه به گونه‌ای طراحی شده که راننده می‌تواند در حالت نشسته یا ایستاده هدایت آن را در دست گیرد. چنین امکانی، راحتی بیش‌تری را برای سرنشینان این سه‌چرخه تضمین می‌کند. به گفته‌ی کارشناسان، چنین ویژگی‌ای که یکی از شاخص‌های منحصربه‌فرد در طراحی این گروه از سه‌چرخه‌های الکتریکی به شمار می‌آید، به راننده این امکان را می‌دهد تا بتواند با انتقال وزن خود به پاها در امتداد پیچ‌هایی که در مسیر حرکت با آن مواجه می‌شود، سه‌چرخه را به طور مایل از پیچ عبور دهد. در حقیقت با این امکان سرنشینی که هدایت سه‌چرخه را به عهده دارد، شیب آن را به شیوه‌ای تنظیم می‌کند که سه‌چرخه راحت‌تر حرکت کند. در حقیقت این سه‌چرخه‌های باری-الکتریکی می‌توانند با سهولت شما را به هرجایی که مورد نظرتان باشد، برسانند و این در حالی است که هم‌زمان می‌توانید هر آنچه را مورد نیازتان است نیز با همین وسیله حمل کنید. به این ترتیب، کاربر می‌تواند از آن به عنوان وسیله‌ی مناسبی برای انجام خریدهای روزانه استفاده کند. بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران بر این باورند که سه‌چرخه‌ای با این امکانات می‌تواند در بردارنده امکاناتی برای مدیران پروژه‌های ساختمانی، راه‌نمایان گردش‌گری و بسیاری از افرادی باشد که در صنایع مختلف مشغول کار و فعالیت هستند.

سه‌چرخه‌ی شهری

پنج مدل مختلف اسکوتر برقی وجود دارد که می‌توانید یکی از آن‌ها را انتخاب کنید. بر اساس مقدار انرژی مورد نیاز و بودجه‌ی اختصاص داده‌شده برای خرید انواع مدل‌های مختلف این سه‌چرخه که جوهانسن ۳ نام دارد، برای کاربردهای مختلف، از سفرهای شهری تا سیستم حمل‌ونقل عمومی، مسابقه‌ای و سه‌چرخه‌ای مطابق سلیقه‌ی جوانان در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد مدل شهری+۲ (URBAN+۲) نسخه‌ی استانداردی از یک سه‌چرخه است. دو موتور عقبی نصب‌شده روی توپی چرخ‌ها حرکت سه‌چرخه تا سرعت ۴۵ کیلومتر در ساعت را امکان‌پذیر می‌کند. البته باتری این سه‌چرخه قابلیت افزایش سرعت حرکت تا ۶۱ کیلومتر در ساعت را نیز دارد. این سه‌چرخه برای افراد بلندقدی که می‌خواهند بار زیادی همراه خود داشته باشند، می‌تواند گزینه‌ی مناسبی باشد.

سه‌چرخه به جای تاکسی

امکان حمل یک یا دو سرنشین و هم‌چنین یک یا دو چمدان با استفاده از این سه‌چرخه‌ها، آن‌ها را به گزینه‌ی مناسبی به عنوان جانشین تاکسی‌ها در شهرهای شلوغ و پر رفت‌وآمد تبدیل کرده است. گرچه شاید سواری با این سه‌چرخه راحت‌ترین سواری‌ای نباشد که تا کنون تجربه کرده‌اید؛ اما در مناطق شلوغ و پر رفت‌وآمد یا مناطقی که آلودگی هوا به یکی از معضلات زندگی شهری تبدیل شده، بهترین انتخاب است. البته با این شرط که داشتن کلاه ایمنی را فراموش نکنید. در مدل‌هایی از این سه‌چرخه که امکان حمل دو مسافر همراه راننده وجود دارد، فضای در نظر گرفته شده برای حمل بار به مراتب کمتر است.

مدل‌هایی از نوع خانوادگی

این مدل اکسـ پلورر (X-PLORER) نام دارد. این سه‌چرخه می‌تواند گزینه‌ی مناسبی برای خانواده‌ها باشد. سرعت حرکت آن حدود ۸۰ کیلومتر در ساعت است. صفحه‌ی داشبورد پیش‌رفته‌ای که برای آن در نظر گرفته شده است، به راننده کمک می‌کند به‌راحتی آن را در مسیر هدایت کند. این امکان وجود دارد که وقتی سرنشین دیگری همراه راننده نیست، قسمت‌های جانبی آن را جمع کند تا فضای کم‌تری اشغال کند. حتا این امکان وجود دارد که بتوان محفظه‌ی حمل بار را روی بدنه‌ی سه‌چرخه قرار داد تا از امنیت بیش‌تری برخوردار باشد. مسافر این سه‌چرخه در قسمت عقبی آن مستقر می‌شود. جعبه‌های حمل بار را می‌توان روی بدنه‌ی سه‌چرخه یا در محل استقرار سرنشینان قرار داد. یکی دیگر از ویژگی‌های شاخص این سه‌چرخه، امکان جداکردن بخش‌های جلو و عقب سه‌چرخه است. به این ترتیب، در مکان‌هایی که امکان حرکت آن وجود دارد، می‌توان سه‌چرخه را به راحتی جمع کرد و داخل موتر قرار داد یا این‌که با قطار و دیگر وسایل حمل‌ونقل آن را از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر منتقل کرد.

سه‌چرخه‌ای برای حمل بارهای سنگین

یکی دیگر از مدل‌های این سه‌چرخه‌ی الکتریکی رینو (RHINO) نام دارد که می‌تواند ۳۰۰ کیلوگرام بار را همراه دو سرنشین حمل کند. این سه‌چرخه تنها سه‌چرخه‌ی برقی است که از قابلیت حمل باری با این وزن برخوردار است. زمانی که سه‌چرخه چنین باری همراه داشته باشد، بیشینه‌ی سرعت حرکت آن به ۶۵ کیلومتر در ساعت کاهش پیدا می‌کند. اگرچه امکان جابه‌جایی مسافر با رینو وجود دارد؛ اما در حقیقت این سه‌چرخه بیش‌تر برای حمل بار مناسب است. طول این سه‌چرخه ۲٫۴ متر یا به عبارتی نصف طول یک موتر سواری خانوادگی است؛ البته باریک‌تر و سبک‌تر و این‌ها از ویژگی‌هایی اند که استفاده از این سه‌چرخه‌ها را در سیستم حمل‌ونقل تسهیل می‌کنند.

از سه‌چرخه‌ی سفری تا گردش‌گری

یکی از دیگر کاربردهای پیش‌بینی‌شده برای سه‌چرخه‌های الکتریکی، استفاده از آن‌ها در سفر است. به کمک این سه‌چرخه حتا می‌توانید نمایی نزدیک‌تر از دنیای حیوانات و حیات وحش را نظاره‌گر باشید. شرکت طراح و سازنده‌ی این سه‌چرخه‌ها اعلام کرده است سه‌چرخه‌های الکتریکی سفری به گونه‌ای طراحی شده که هر کاربری می‌تواند به‌آسانی در مدت زمان کوتاهی در حدود ۱۵ دقیقه با چگونگی کار آن‌ها آشنا شود. شرکت سازنده برای آن دسته از کودکانی که به استفاده از اسکوترها یا سه‌چرخه‌های الکتریکی علاقه‌مند هستند، چاره‌ای اندیشیده است. مدل مناسب برای کودکان جنیر (JUNIOR) نام دارد. این سه‌چرخه برای کودکانی در محدوده‌ی سنی ۶ تا ۱۰ سال مناسب است. حداکثر سرعت حرکت این سه‌چرخه ۱۵ کیلومتر در ساعت است و می‌تواند باری به وزن ۹۱ کیلوگرم را حمل کند. در این سه‌چرخه فضا برای یک سرنشین دیگر در نظر گرفته شده است. این سه‌چرخه با یک‌بار چارج کامل، مسافتی معادل ۳۲ کیلومتر را طی می‌کند. سه‌چرخه‌ی شهری+۲ (URBAN+۲) با یک‌بار چارج کامل، مسافتی معادل ۴۴٫۸ کیلومتر را طی می‌کند. مدل‌های اکس-پلورر و رینو با یک بار چارج کامل، ۶۰ کیلومتر را بدون نیاز به چارج مجدد طی خواهند کرد. مدل پنجم این سه‌چرخه‌های الکتریکی شهری ۱ (URBAN ۱) نام دارد که مدل کوچک‌تر و سبک‌تر از مدل شهری+۲ است. این سه‌چرخه به طور اختصاصی برای نوجوانان و خانم‌هاست. یکی از دیگر کاربردهای پیش‌بینی‌شده برای این مدل، از سه‌چرخه‌های الکتریکی گردش‌گری است. به این ترتیب، گردش‌گران می‌توانند با اجاره‌ی یک سه‌چرخه، امتداد مسیر ساحل را با آن طی کنند یا این‌که راه‌نمایان گردش‌گری می‌توانند با استفاده از این سه‌چرخه، دو سرنشین را به بازدید یک منطقه‌ی گردش‌گری در نزدیکی محل اقامت مسافران ببرند. به گفته‌ی شرکت سازنده، این سه‌چرخه بر اساس مقررات و استانداردهای مورد تأیید آمریکا و اروپا طراحی و ساخته شده است.
(جام جم آنلاین)

facebook بگو مگو از facebook

Abdullah Watandar

ده میلیون رای فدای سرش

پس از دیدن مصاحبه‌ی محمد محقق کمی آرامش یافتم. نه کمی، خیلی آرامش یافتم. ایشان می‌گویند که طالبان پذیرفته‌اند که ربوده‌شدگان بی‌گناه هستند و ربایندگان هم این مسئله را پذیرفته‌اند.
پیش از دیدن مصاحبه‌ی آقای محقق، همه فکر می‌کردیم که ربوده‌شدگان گناه‌کار هستند. آدم‌ربایان و طالبان که هر مسافری را نمی‌ربایند. آخر تعلق داشتن به شاخه‌ی خاصی از شاخه‌های جامعه‌ی افغانی که گناه کمی نیست. حالا که روشن شده است، شورای کویته و شوراهای دیگر، دامن این ربوده‌شدگان را به چنین گناهی آلوده نمی‌دانند، احساس آرامش می‌کنیم و امیدواریم به‌زودی آزادشان کنند.
پس از تماشای مصاحبه‌ی آقای محقق و دیدن درد ناپدیدشدن آن سی‌ویک نفر در چهره و گفتار ایشان، شخصا به این نتیجه رسیده‌ام که برای داشتن یک نفر در مقام معاونت دوم شخص دوم مملکت، ده میلیون رای هم کم است.

Malek Sitez

وقتی سرِ یک سربازان میهن را می‌بُرند!

زمانی نوشته بودم: «زبون‌ترین رهبران آنانی هستند که شهروندان بی‌گناه قربانی اشتباهات سیاسی‌شان گردند». آن سری که برای میهن برافراشته شده، توسط دستان خون‌آلود رهبرانِ فرورفته در ذلت بریده می‌شود، نه جانیان داعشی و طالبی!
رهبران به فکر منافع گروهی خود هستند و در دهلیزهای قدرت چنه‌بازی می‌کنند. وقتی سر یک سرباز را با این وحشت در برابر دوربین‌ها می‌بُرند و تصاویرش را در رسانه‌ها می‌گذارند، چه باقی می‌ماند؟ دولت؟ ملت؟ شهروند؟ نه، این‌جا کشتارگاه انسانیت می‌شود و شما نظاره‌گر ژنوساید (نسل‌کشی) خواهید بود!

Farid Asadullahi

برداشت من این است که اگر وضع به همین‌گونه ادامه یابد، «سکوت استراتژیک» دولت تا از بین‌بردن آخرین گروگان شکسته نخواهد شد؛ زیرا دولت یقین کامل دارد که در شرایط کنونی پایه‌های قدرت‌شان را مردم بی‌غرض، بی‌سلاح و بی‌دفاع هزاره متزلزل کرده نمی‌تواند.
متأسفانه رگه‌های حساسیت مردم ما در قبال سرنوشت جمعی‌شان از مدت‌ها پیش خشکیده‌اند. تا عضو یا اعضای خانواده‌ی خود ما به گروگان نروند، اراده‌ی قوی دادخواهی در ما شکل نمی‌گیرد. برای یک ملت تحت ستم، چیزی فاجعه‌بارتر از مرگ حساسیت سیاسی و اجتماعی‌شان نیست. بیش از چهل روز از فاجعه‌ی گروگان‌گیری انسان‌ها به جرم تعلق قومی‌شان می‌گذرد؛ اما در همین بیش از چهل روز ما شاهد تظاهرات تکان‌دهنده و گسترده‌ای در شهرهای بامیان، غزنه، مزار شریف، دایکندی، جاغوری و سایر نقاط به وسیله‌ی قومی که گروگان‌ها به آن تعلق دارند، نبودیم و نیستیم. این یعنی اوج فاجعه و حقارت و بدبختی و ناآگاهی و ستم‌پذیری.

Jafar Rasouli

در دو-سه ماه اخیر، اکثر افراد سیاسی و کسان دیگری که در افغانستان در رسانه‌ها اظهار نظر می‌کنند، نسبت به کامیابی روند صلح تحت رهبری حکومت وحدت ملی بسیار ابراز خوش‌بینی می‌کنند. من هم کوشش کردم که خود را قانع کنم که تغییر آمده است: در افغانستان حکومت جدید سر کار است، در پاکستان گویا نظامیان تغییر عقیده داده‌اند و قدرت‌های منطقه‌ای نظیر چین و عربستان سعودی وارد عمل شده‌اند. لیکن هیچ یک از این تغییرات را برای مستقرشدن صلح در افغانستان کافی نمی‌دانم. چون گذشته، فکر می‌کنم که تا رسیدن به صلح، راه دراز و پیموده‌نشده‌ای باقی است. چرا؟
۱. سوال اول این است که آیا ایالات متحده‌ی امریکا به بازیگران دیگری نظیر چین اجازه‌ی واردشدن به جایی که حوزه‌ی نفوذ او بوده است، می‌دهد یا خیر؟ به نظر من، خیر. رفتا دهه‌ی اخیر واشنگتن نسبت به چین نشان می‌دهد که طراحان آمریکایی استراتژی «شریک-رقیب تحت کنترول» را برگزیده‌اند. سرازیرشدن قوای نظامی آمریکایی مستقر در اروپا به سوی شرق آسیا و ایجاد ائتلاف‌های و پیمان‌ها با کشورهای همسایه‌ی چین، نوعی «کنترول» ابرقدرت در حال ظهور است. دوم، نفوذ چین در طالبان، خیلی اندک است. بعید است که پکن اسلام‌آباد را به‌شدت تحت فشار قرار دهد. سوال خیلی مهم دیگر این است که چرا باید ایالات متحده در رقابت میان هند و پاکستان، جانب اسلام‌آباد را بگیرد؟ هیچ نشانه‌ای دال بر قبول‌کردن این فرضیه وجود ندارد. شخصاً، متحد استراتژیک ابرقدرت نیم‌کره‌ی غربی را دهلی نو می‌دانم، نه اسلام‌آباد.
۲. تغییر در راه‌بردهای کلان اسلام‌آباد نسبت به افغانستان در آینده‌ی نزدیک دور از انتظار است. طرح‌های کلان و استراتژیک زمانی در پاکستان تغییر خواهند کرد که حداقل یکی از این دو در پاکستان و منطقه واقع گردد: ۱) دگرگونی‌ای در ساختار قدرت در داخل پاکستان واقع شود، به نحوی که دیگر سیاست‌های امنیتی را ارتش تنظیم نکند، بلکه حکومت ملکی این مهم را انجام دهد. به عبارت دیگر، تغییر انقلابی در ساختار داخلی قدرت در پاکستان واقع شود. ۲) رقابت‌های جیوپلیتیک در منطقه‌ی جنوب‌غرب آسیا به رقابت‌های جیواکانومیک بدل گردند. هیچ نشانه‌ای از وقوع این دو تغییر دیده نمی‌شود.
۳. در بازی خونینی که نزدیک به چهار دهه در افغانستان جریان دارد، اراده‌ی مردم افغانستان و به تبع دولت مستقر در کابل و طالبان نقش خیلی اندکی داشته است و خواهد داشت. برای این‌که بفهمیم کاروان صلح در کدام پیچ قرار دارد، باید به شماره‌ی یک و شماره‌ی دو توجه‌ی خود را معطوف کنیم.
چون ما از جنگ خسته شده‌ایم، آروزی صلح را داریم و به اشتباه گمان می‌کنیم که دیگران هم از جنگ خسته شده‌اند و صلح می‌خواهند.

هررا: خوش شانسم که برای منچستربازی می‌کنم

آندر هررا؛ تابستان گذشته از اتلتیک بیلبائو به منچستریونایتد پیوست و در هفته‌های اخیر توانسته با ارایه بازی‌های درخشان، جایگاه ثابتی در ترکیب این تیم پیدا کند.
هررا در ابتدای فصل، بازی‌کن ثابت یونایتد بود اما یک مصدومیت بد باعث شد او مدتی از میادین به دور باشد و پس از بهبودی نیز نتوانست سریع به ترکیب اصلی بازگردد. او یکی از مهره‌های موثر منچستریونایتد در نیم فصل دوم محسوب می‌شود و در اوج‌گیری دوباره شیاطین سرخ، نقش مهمی را ایفا کرده است.
هررا در مصاحبه با United Review، در مورد وضعیتش در منچستریونایتد گفت: از حضور در یونایتد خوشحالم. حتی زمانی‌که نیمکت‌نشین بودم نیز چنین حسی داشتم. وقتی بصورت ثابت بازی نمی‌کردم، هرگز در مورد وضعیت آینده‌ام در این باشگاه از کسی سوالی نکردم. من خوش شانسم که بازی‌کن منچستریونایتد هستم.
ستاره ۲۵ ساله اسپانیایی یونایتد در ادامه افزود: این مربی تیم است که تصمیم می‌گیرد چه بازی‌کنی بازی کند. او صلاح تیمش را بهتر از هر کسی می‌داند و باید به تصمیم او احترام گذاشت. وقتی به منچستریونایتد پیوستم، به بازی کنار بزرگانی چون رونی، کریک، والنسیا، رافائل و فلچر که البته دیگر این‌جا نیست فکر می‌کردم. این‌ها بازی‌کنانی هستند که مدت‌ها برای یونایتد بازی کرده اند.
رویای من حضور در این باشگاه برای مدتی طولانی است چرا که در بهترین تیم، بهترین لیگ و در کشوری صاحب فوتبال حضور دارم. وقتی به منچستریونایتد آمدم، خیلی زود توانستم خودم را با شرایط باشگاه وفق دهم. در این باشگاه همه به یک‌دیگر کمک می‌کنند تا پیشرفت کنند.

ایسکو: هر کاری می‌کنیم تا قهرمان شویم

ستاره اهل مالاگاي ریال مادرید بسیار امیدوار است که ریال بتواند در لالیگا و لیگ قهرمانان به عنوان قهرماني دست یابد؛ با وجود این‌که در لالیگا ۴ امتیاز از بارسا عقب افتاده اند.
ابسکو که دومین فصل حضورش در ریال را پشت سر می‌گذارد، در ابتدای فصل، یک بازی‌کن ذخیره محسوب می‌شد و از ۱۲ بازی ابتدایی ریال، در ۸ بازی به عنوان بازی‌کن ذخیره وارد زمین شد. با این حال، مصدومیت بیل و مودریچ سبب شد تا ایسکو بار دیگر به ترکیب اصلی ریال وارد شده و با درخشش خود، جایگاهش را در این تیم مستحکم کند.
ریال مادرید در حال حاضر در لالیگا ۴ امتیاز از بارسلونا عقب است و در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان نیز باید به مصاف اتلتیکومادرید برود. ایسکو در این رابطه گفت: فکر می‌کنم در این فصل بهتر از همیشه بازی کرده باشم. تمریناتی را انجام می‌دهم که شاید پیش از این انجام نمی دادم و سطح بازیم نیز بالاتر رفته است.
ریال مادرید تیم بسیار بزرگی است که هر سال برای کسب قهرمانی در همه جبهه‌ها می‌جنگد. می‌خواهم به هواداران‌مان بگویم که ما برای کسب عنوان قهرمانی در لالیگا و لیگ قهرمانان، همه تلاش‌مان را خواهیم کرد و دوست دارم بیشتر از همیشه از ما حمایت کنند. در حال حاضر برای رسیدن به موفقیت، متحد شده‌ایم و انگیزه بسیار بالایی نیز داریم

شروع مذاکرات دوباره بارسلونا با مدافع بایرن

باشگاه بارسلونا بار دیگر مذاکرات خود با ژروم بواتنگ، مدافع ملی پوش باشگاه بایرن مونیخ را از سر گرفت.
اولین بار روز ۴ آگست سال گذشته بود که نشریه مارکا خبر از مذاکرات زوبی زارتا، مدیر ورزشی سابق بارسلونا با بواتنگ داد. در آن گزارش آمده بود که باشگاه بارسلونا به بواتنگ پیشنهاد قراردادی ۵ ساله با حقوق دریافتی سالیانه ۳,۵ میلیون یورو خالص داده بود که سال به سال، ۵۰۰ هزار یورو به این حقوق افزوده می‌شد. رقم پرداختی به بایرن نیز ۳۵ میلیون یورو عنوان شده بود.
بایرنی ها درخواست ۳۹ میلیون یورو برای صدور مجوز جدایی بواتنگ کرده بودند اما زوبی زارتا به تصور این‌که خود بازی‌کن به بایرن برای جدایی فشار وارد خواهد آورد، مذاکرات مستقیم با بایرن را متوقف کرد و در نهایت نیز بواتنگ متقاعد شد که در بایرن مونیخ به بازی ادامه دهد.
طبق ادعای مارکا، از هفته گذشته تماس باشگاه بارسلونا با بواتنگ و ایجنتش از طریق کارلس رکساچ، یکی از مدیران بلند پایه ورزشی بارسا برقرار شده است. بارسا قصد دارد این بازی‌کن را خریداری کرده و سپس تا جون ۲۰۱٦ به بایرن قرض بدهد. لازم به ذکر است که بارسا نمی‌تواند بصورت رسمی هیچ بازی‌کنی را تا جنوری ۲۰۱٦ خریداری کند و به همین منظور برای جذب بواتنگ چاره‌ای جز این کار ندارد.

ریبری : فان خال آدم خوبی نیست

فرانک ریبري ستاره فرانسوي باشگاه بایرن مونیخ، بار دیگر در یک مصاحبه از روابط نه چندان خوبش با لوئیس فان خال، سرمربي حال حاضر منچستریونایتد سخن گفت.
ریبری زمانی‌که لوئیس فان خال هدایت بایرن را بر عهده داشت، زیر نظر او کار می‌کرد و یک عنوان قهرمانی لیگ و یک جام حذفی در فصل ۲۰۰۹-۲۰۱۰ را نیز با فان خال به دست آورد. با این وجود، ریبری هرگز روابط حسنه‌ای با این سرمربی هلندی نداشت و در مصاحبه خود با وبسایت گول نیز بر این مساله تاکید کرد.
او در این رابطه گفت: ما مشکلاتی اساسی با یک‌دیگر داشتیم. او وقتی کارش را با بایرن شروع کرد، کسی نمی‌دانست که چه اتفاقی خواهد افتاد. برای فان خال اصلا مهم نبود که شما بازی‌کن بزرگ و ستاره تیم هستید یا خیر؛ همه مجبور بودند یک بار دیگر خودشان را به او ثابت کنند.
اولین برخورد من با او نیز جالب نبود و به عنوان یک بازی‌کن حرفه‌ای، اعتمادم را از دست دادم. فان خال البته ایده‌های بزرگی در زمین بازی داشت ولی رفتار خارج از زمین او خوب نبود. می‌توانم بگویم که از نظر من، او آدم خوبی نبود. رابطه شخصی ما هم به هم ریخته بود. همین مساله باعث شده بود تا در آستانه رفتن به ریال مادرید و جدایی از بایرن قرار بگیرم.

گواردیولا: بایرن فقط ۱۶ بازی‌کن آماده در اختیاردارد

بایرن مونیخ امروز در جام حذفي فوتبال آلمان، دیدار حساسي مقابل بایرلورکوزن پیش رو دارد؛ در حالي‌که با مصدومیت بازي‌کنان بزرگش روبروست.
روبن، ریبری، آلابا، خاوی مارتینز و شواین اشتایگر، بازی‌کنانی هستند که قادر نخواهند بود مقابل لورکوزن به میدان بروند. ضمن این‌که بداشتوبر نیز وضعیت نامشخصی دارد.
پپ گواردیولا امروز در نشستی خبری در همین رابطه گفت: شواینی به موقع به بازی مقابل لورکوزن نخواهد رسید. من در حال حاضر تنها ۱٦ بازی‌کن آماده در اختیار دارم؛ با این حال این هم بخشی از مشکلات حرفه ماست و وظیفه من است تا یک راه حل خوب پیدا کنم. حضور بداشتوبر نیز مشخص نیست. او خیلی خوب تمرین نکرده و باید تا فردا صبر کنیم و ببینیم که بدنش جواب خواهد داد یا خیر. به دنبال بهانه نیستیم. این مساله چالش بزرگی برای بایرن خواهد بود.
گواردیولا سپس در مورد بازی نکردن گوتزه از ابتدا در مقابل دورتموند گفت: گوتزه بازی‌کن بزرگی است؛ یکی از بهترین بازی‌کنانی که در تمام دوران مربی‌گریم در اختیار داشته ام. فوتبال همه زندگی اوست. می‌دانم که دوست داشت در ترکیب ثابت مقابل دورتموند به میدان برود و برای او متاسفم که نتوانست به هدفش برسد؛ با این حال این تصمیمی بود که من گرفتم.

انریکه : به بوسکتس نگفتم عمداً کارت بگیرد

تصاویر شکار شده کانال پلاس از بازی بارسلونا وسلتا نشان می‌دهد که انریکه در دقایق پایانی بازی، از بوسکتس می‌خواهد تا عمدا کارت زرد دریافت کند.
تصاویر کانال پلاس به خوبی نشان می‌دهد که انریکه بوسکتس را با اسم بوسی صدا زده و با ژستی خاص از او می‌خواهد که کارت بگیرد. ۴ دقیقه بعد، بوسکتس در هنگام زدن ضربه کاشته، با تعللی عجیب، ضمن دریافت کارت زرد، باعث عصبانی شدن بازی‌کن سلتا شد؛ طوریکه این بازی‌کن با پرتاب تکه‌ای از چمن زمین به سمت بوسکتس، کارت قرمز مستقیم دریافت کرد و از بازی اخراج شد.
بدین ترتیب بوسکتس بازی مقابل آلمریا را از دست داد و بدون مشکل در دو بازی بعدی دشوار مقابل سویا و والنسیا حاضر خواهد بود. بارسلونا بعدی در زمین خود، دیدار مقابل آلمریا را پیش رو دارد و به همین مناسبت لوئیس انریکه در نشستی خبر حاضر شد تا به سوالات خبرنگاران پاسخ بگوید.
او در این نشست در پاسخ به سوالی در مورد درخواستش از بوسکتس برای گرفتن کارت زرد چنین گفت: هرگز به بوسکتس نگفتم که عمدا کارت زرد بگیرد. دلیلی برای این کار نداشتم. هیچ‌وقت بازی‌کنانم را به این‌گونه مسائل تشویق نمی‌کنم.

داوید لوئیز دیدار مقابل بارسلونا را از دست داد

مدافع ارزش‌مند برزیلی باشگاه پاریس سنت زرمن به دلیل مصدومیت در بازی مقابل مارسی، یک ماه به دور از میادین باقی خواهد ماند.
برتری ۳-۲ پاریس سنت ژرمن در مقابل مارسی برای این تیم گران تمام شد؛ چرا که دو بازی‌کن ارزش‌مند این تیم یعنی داوید لوئیز و تیاگو موتا در همین بازی دچار مصدومیت عضلانی شده و زمین را ترک گفتند. پس از آزمایشات دقیق پزشکی، باشگاه پاریس سنت ژرمن دیروز اعلام کرد که لوئیز یک ماه و موتا حداقل ده روز به دور از میادین خواهند ماند.
بدین ترتیب لوئیز هر دو بازی رفت و برگشت مقابل بارسلونا در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان را از دست خواهد داد و تیاگو موتا نیز حداقل در بازی رفت که در پاریس برگزار می‌شود، حضور نخواهد داشت. زلاتان و وراتی نیز به دلیل محرومیت در این بازی غایب هستند.
داوید لوئیز در بازی برگشت مقابل چلسی، نقش بسیار مهمی در صعود پاریسی‌ها ایفا کرد و غیبت او در مقابل بارسلونا بی‌شک به ضرر این تیم تمام خواهد شد.

کوتینیو: باید به هر نحوی قهرمان جام حذفی شویم

فیلیپه کوتینیو، هافبک لیورپول معتقد است که تیمش باید هر طوری شده قهرمان جام حذفی انگلیس شود.
پس از شکست ۴-۱ مقابل آرسنال، امیدهای لیورپول برای کسب سهمیه لیگ قهرمانان به کل از بین رفت. هافبک برزیلی معتقد است که تیمش باید هر طور شده قهرمان جام حذفی شود تا از پایانی ناامیدکننده در این فصل جلوگیری کند.
او گفت: قهرمانی در این جام می‌تواند فصل ما را نجات دهد. برای ما رسیدن به آن خیلی مهم است. پس از نتیجه رقم خورده مقابل آرسنال، باید عمل‌کرد خوبی از خود به جای بگذاریم. بازی خیلی سختی بود ولی باید سرمان را بالا بگیریم و به خودمان ایمان داشته باشیم. باید به مسیر ادامه دهیم زیرا بازی‌های مهمی پیش‌رو داریم و اتفاقات خاصی می‌تواند رقم بخورد.

آربلوا: بارسا بازی‌های سخت‌تری پیش رو دارد

آلوارو آربلوا، مدافع ریال مادرید مطمئن است که تیمش می‌تواند از بارسلونا در جدول لالیگا پیشی بگیرد و دلیلش را بازی‌های سخت پیش‌روی بارسا می‌داند.
ریال که در بیشتر مقاطع فصل، از کاتالان‌ها پیش بود، با شکست در ال‌کلاسیکو، ۴ امتیاز از نایب قهرمان فصل گذشته عقب افتاده است. هر دو تیم در ادامه فصل باید به مصاف تیم‌هایی مثل والنسیا و سویا بروند که بازی‌های سختی برای‌شان محسوب می‌شود ولی بارسا در بازی آخر فصل، حریف اتلتیکو خواهد شد.
آربلوا در این رابطه گفت: بارسلونا بازی‌های سخت‌تری نسبت به ما در پیش‌رو دارد. هدف ما پیروزی در تمام بازی‌های باقی مانده است، با این‌که کار سختی خواهد بود. پیش از دیدارهای لالیگا، دو بازی سخت مقابل اتلتیکومادرید خواهیم داشت. می‌خواهیم با فرم خوبی پا به این دیدار بگذاریم بنابراین باید رایو و ایبار را شکست دهیم. پیروزی ۹-۱ مقابل گرانادا خیلی به کمک ما خواهد آمد.

میراندا: ریال بهترین تیم جهان است

میراندا، مدافع اتلتیکومادرید عنوان کرد که ریال مادرید قوی‌ترین تیم جهان است ولی آن‌ها هنوز نتوانسته اند اتلتیکومادرید را در فصل جاری شکست دهند.
ریال فصل گذشته موفق شد در فینال چمپیونزلیگ، اتلتیکو را ۴-۱ شکست دهد و لادسمیا را کسب کند ولی شاگردان سیمئونه در فصل جاری عمل‌کردی بسیار خوب مقابل ریال داشته‌اند و در ٦ بازی، شکستی نداشته اند. هم‌چنین در بازی برگشت لالیگا، روخی بلانکوس موفق شد سپیدپوشان را ۴-۰ شکست دهد و انتقام سنگینی از فینال اروپا بگیرد. حال دو تیم باید در دو بازی دیگر در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا به مصاف یک‌دیگر بروند.
میراندا در این باره گفت: دو بازی سخت پیش‌روی ماست. ریال مادرید به شدت قدرت‌مند است و شاید قوی‌ترین تیم جهان است ولی شکست ناپذیر نیستند. ما خیلی رقابتی هستیم و این فصل، ٦ بار به مصاف آن‌ها رفتیم و شکستی نداشته‌ایم.
میراندا درباره رونالدو گفت: برای مهار رونالدو باید خیلی منظم و متمرکز بود. وقتی حمله می‌کنیم، باید مدافعین آماده باشند. حضور چنین بازی‌کنی در هر تیمی لازم است. هم‌چنین، وقتی توپ را از دست می‌دهد، باید سعی کنیم هر چه سریع‌تر آن را مهار کنیم.

افت محسوس نیمار، مشکل تازه بارسلونا

نیمار؛ فوق ستاره برزیلی بارسلونا، این هفته ها با افت محسوسی مواجه شده و در بازی مقابل سلتا، بیش از همیشه شاهد ناکامی این بازی‌کن در امر گول‌زنی و گول‌سازی بودیم.
نیمار در این فصل بدون تردید عمل‌کرد بسیار بهتری به نسبت فصل گذشته که اولین سال حضورش در بارسلونا بود داشته است. او در لالیگا ۱۸ گول زده و بارها نیز دیگر بازی‌کنان بارسا را در موقعیت گول‌زنی قرار داده است اما از زمانی‌که او بخاطر حضور در جشن تولد خواهرش به برزیل رفت، افتش نیز شروع شد.
آخرین گول نیمار برای بارسلونا در لالیگا به ۱۵ فبروری گذشته و در برتری ۵-۰ بر لوانته بر می‌گردد که او گول اول بارسلونا را به ثمر رساند. از آن پس نیمار هرگز نتوانسته برای بارسا در لالیگا گول‌زنی کند. او در آخرین بازی بارسلونا که روز یک‌شنبه مقابل سلتا برگزار شد نیز ۱۸ بار توپ را از دست داد. متوسط ۱ توپ در هر ۵ دقیقه.
این بازی یکی از بدترین بازی‌هایی بود که نیمار در این فصل به نمایش گذاشته است. افت او در کنار ناآماده بودن مسی به دلیل مصدومیت و نیز بدشانسی‌های لوئیس سوارز، سبب شد تا یک مدافع، سرنوشت بازی را به نفع بارسلونا تعیین کند.
متیو بازی‌کنی بود که در دقیقه ٧٦ با یک ضربه سر، گول برتری بارسلونا را به ثمر رساند تا این تیم فاصله ۴ امتیازی خود با ریال را حفظ کند. این یازدهمین گولی بود که بارسا از روی ضربات ایستگاهی در این فصل به ثمر رسانده و دهمین گول این تیم با ضربه سر نیز بود.
اتلتیکو با ۲۳ گول با ضربه سر، ریال با ۱۷ گول و سویا با ۱۲ گول، بالاتر از بارسا در این زمینه قرار دارند. باید دید که در حساس‌ترین مقطع فصل، نیمار بار دیگر به فرم ایده‌آلش باز خواهد گشت یا این‌که بارسلونا در بدترین زمان ممکن از افت این فوق ستاره ضربه خواهد دید.

روزنامه اطلاعات روز

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
- معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
- سردبیر: بشیر یاوری
- دبیر خبر: نجیب الله نصیح
- ویراستار: ناصری

صفحه آرا: هادی دریابی
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
آدرس: کابل، کارته سه، سرک دهم
قیمت: ۱۰ افغانی
شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی
۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴
۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

web: www.etilaatroz.com | facebook: www.facebook.com/dailyetilaatroz

Wednesday ⊙ 8 April 2015 ⊙ Year 04 ⊙ Vol 813

چهار شنبه⊙۱۹ حمل، ۱۳۹۴ ⊙ سال چهارم ⊙ شماره ۸۱۳

حزب اسلامی حکمت‌یار: آماده‌ی فرستادن نیرو در حمایت از عربستان به یمن هستیم

شبه‌نظامیان تحت فرمان گلبدین حکمت‌یار از آغاز حضور نیروهای بین‌المللی در افغانستان با این نیروها و نیروهای دولت افغانستان در جنگ هستند. حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمت‌یار اعلام کرده که آماده است صدها نفر از اعضای گروهش را برای حمایت از عربستان سعودی به یمن بفرستد.

حمایت این گروه از عربستان سعودی در حالی صورت می‌گیرد که پیش‌تر حکومت افغانستان نیز اعلام کرد در ارتباط با جنگ جاری در یمن، از عربستان سعودی حمایت می‌کند.

هارون زرغون، سخنگوی این حزب به بی‌بی‌سی گفت، آن‌ها این تصمیم را به این خاطر گرفته‌اند که «ایران در افغانستان، عراق، سوریه، لبنان و یمن به هدایت آمریکا و روسیه خشونت‌های فرقه‌ای را دامن می‌زند». بعد از این‌که شبه‌نظامیان حوثی قسمت‌های زیاد یمن را در تصرف خود درآوردند، عربستان سعودی ائتلاف چند کشور را ایجاد کرده و به شبه‌نظامیان حوثی در خاک یمن حمله کرد.

روز گذشته حزب اسلامی با نشر یک خبرنامه اعلام کرد که حاضر است به حمایت از عربستان سعودی در این جنگ، صدها نفر از اعضای خود را به یمن بفرستد. آقای زرغون گفت که آن‌ها اکنون آمادگی خود را اعلام کردند و حاضرند از هر راه ممکن آن را عملی سازند.

گلبدین حکمت‌یار نامش در فهرست «تروریستان بین‌المللی» وزارت خارجه‌ی امریکا قرار دارد و گمان می‌رود که در مناطق قبایلی پاکستان مخفی باشد. جنگ‌جویان او بیش‌تر در مناطق شرقی و شمال‌شرقی افغانستان فعال هستند. جنگ‌جویان وابسته به این حزب در جنگ‌های میان‌گروهی در اوایل دهه‌ی هفتاد خورشیدی هم نقش عمده داشتند.

در حال حاضر چند شاخه‌ی حزب اسلامی با دست‌کشیدن از فعالیت‌های مسلحانه، رسما به دولت افغانستان پیوسته‌اند. هم‌چنین در گذشته نمایندگانی از سوی حزب اسلامی برای گفت‌وگو به کابل سفر کرده‌اند. حکومت افغانستان گفته است که در صورت بروز هرنوع تهدید، کنار سعودی ایستاده‌ایم.

بحران یمن

بحران کنونی یمن از ماه سپتامبر و زمانی آغاز شد که شبه‌نظامیان حوثی که خود را گروه انصارالله می‌نامند، با تصرف صنعا، پایتخت، عملا قدرت را در دست گرفتند و اختیارات عبد ربه منصور هادی را از او سلب کردند. آقای هادی در اوایل سال ۲۰۱۲ میلادی و پس از کناره‌گیری علی عبدالله صالح از سمت ریاست جمهوری، به مقام ریاست جمهوری یمن انتخاب شد.

بعد از افزایش درگیری، آقای هادی به عدن در جنوب این کشور گریخت. در روزهای اخیر بین نیروهای وفادار به علی عبدالله صالح، رییس جمهوری سابق که با حوثی‌ها متحد شده و واحدهای ارتشی وفادار به منصور هادی درگیری‌های سنگینی روی داده است.

بعد از این‌که شبه‌نظامیان حوثی برای تصرف عدن ره‌سپار این بخش از یمن شدند، عربستان سعودی عملیات هوایی را آغاز کرد. چند روز قبل نیز ملک سلمان، پادشاه عربستان گفت که حملات علیه حوثی‌ها را تا خنثاشدن «کودتا» در یمن ادامه خواهد داد.

ایران حمله‌ی هوایی عربستان به یمن را محکوم کرده است. عربستان نیز توانسته جبهه‌ای متشکل از کشورهای عربی منطقه برای حمله به یمن سامان دهد؛ اما نظر اغلبِ کارشناسان این است که آنچه که در یمن در جریان است، عمدتاً مسابقه‌ی قدرت بین ایران و عربستان، به نمایندگی از دو دنیای تشیع و تسنن، برای تفوق (هژمونی) در منطقه‌ی خاور میانه است. (بی‌بی‌سی)

دانشگاه بین المللی المصطفی
جامعة المصطفی العالمیة واحد کابل

لیسانس
ماستری
ثبت نام جریان دارد

- بورسیه کامل تحصیل در ایران (ویژه ممتازین)
- فیس مناسب برای اقشار مختلف
- فراهم سازی فرصت مطالعاتی وسیر علمی در ایران
- فوق برنامه های آموزشی و تحقیقاتی رایگان
- محیط سالم و مناسب برای بانوان

آدرس: چوک دهمزنگ– سرک دارالامان– سمت راست– کوچه اول– چهار راه اول
شماره های تماس: ۰۲۰۲۵۰۰۴۲۱ – ۰۷۷۹۹۵۱۰۶۸

ارسال کریدت
کریدت مبایل خویش را با عزیزان خود شریک سازید

سال نو تان مبارک

*۱*۴۴۴* شماره مبایل دریافت کننده * مبلغ # را دایل نمائید

- الی ۱۵۰ افغانی در روز
- تا ختم ماه اپریل فی ارسال کریدت ۱ افغانی
- بعد از ختم ماه اپریل فی ارسال کریدت ۲ افغانی

افغان بیسیم
ارتباط دهندهٔ افغانستان

myawcc | www.afghan-wireless.com | ۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰ | یا ۱۵۲